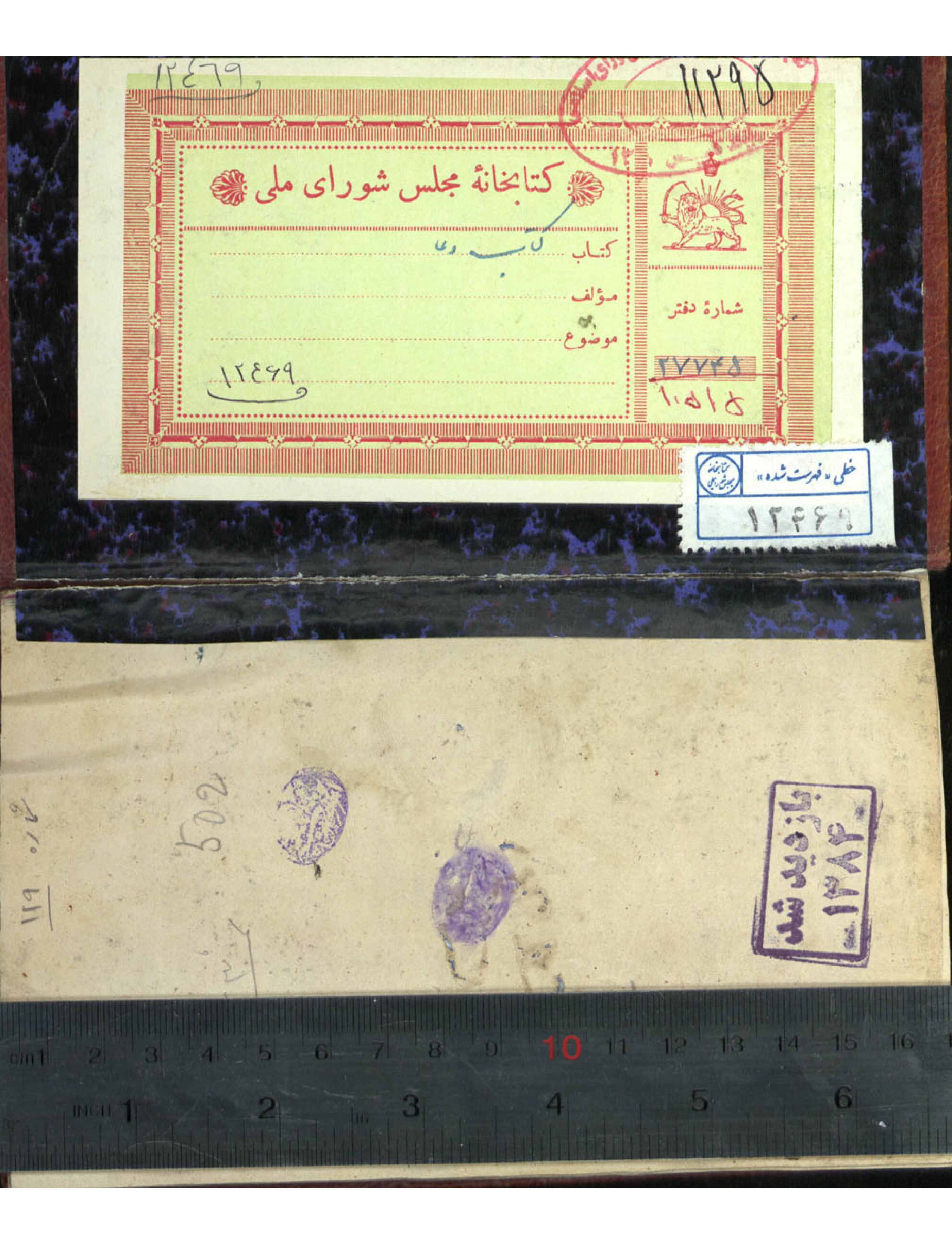
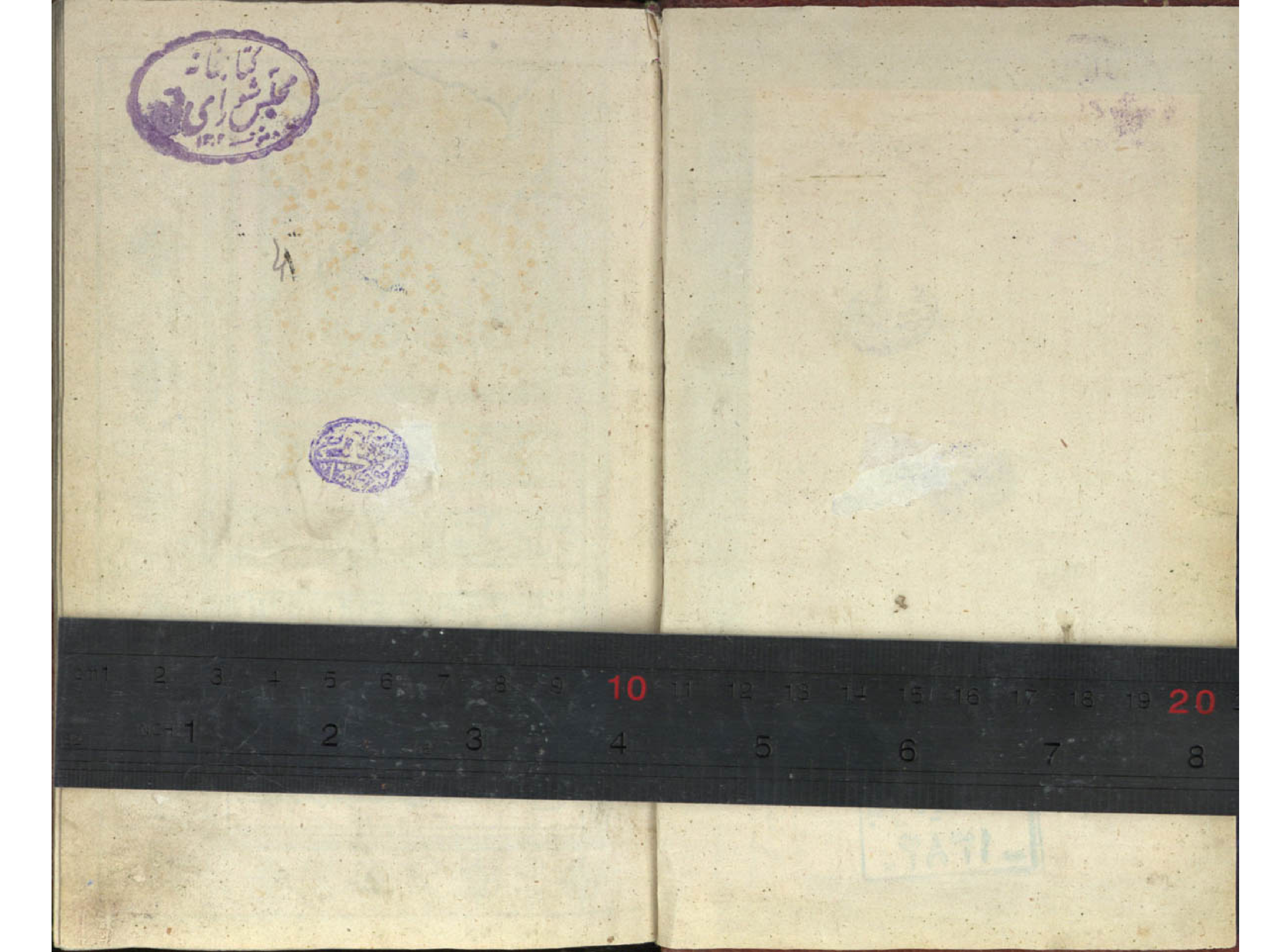




کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شمارهٔ دفتر
۲۷۷۴۵
خطی «فهرست شده»
۱۲۴۶۹
بازدید شد
۱۳۸۴





بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انى اسئلك برحمتك

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو برحمت تو

التى وسعت كل شئ وبقوتك

فراگرفته است هر چیزرا وبقوت تو

التى قهرت بها كل شئ وخضع

که قهر کرده بآن هر چیزرا و[illegible] شده

لها كل شئ وذل لها كل شئ و

مرآنرا هر چیزی وخوار شده بجهة آن هر چیزی و

بجبروتك التى غلبت بها كل شئ

ببزرگواری تو که غلبه کرده بآن هر چیزی

وبعزتك التى لا يقوم لها شئ و

وبارجمندی تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و

بعظمتك ال[illegible] كل شئ و

بعظمت تو [illegible] هر چیزرا و

وبسلطانك الذى علا كل شئ و

بپادشاهی تو که [illegible] از هر چیزی و

وبوجهك الباقى بعد فناء كل

بذات مقدس که باقیست پس از فنا شدن هر

شئ وباسمائك التى ملأت

چیزی وبنامهای شریف تو که پر کرده است

اركان كل شئ وبعلمك الذى

رکنهای هر چیزرا وبدانش تو که



بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إني أسألك برحمتك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو برحمت تو

التي وسعت كل شيء وبقوتك

فراگرفته است هر چیز را وبقوت تو

التي قهرت بها كل شيء وخضع

که قهر کرده بآن هر چیز را ومنقاد شده

لها كل شيء وذل لها كل شيء و

مر آنرا هر چیزی وخوار شده بجهت آن هر چیزی و

بجبروتك التي غلبت بها كل شيء

بجبروت/بزرگواری تو که غلبه کرده بآن هر چیزی

وبعزتك التي لا يقوم لها شيء و

وبارجمندی تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و

بعظمتك [illegible] كل شيء و

بعظمت تو که [illegible] هر چیز را و

بسلطانك الذي علا كل شيء و

بپادشاهی تو که برتر است از هر چیزی و

بوجهك الباقي بعد فناء كل

بذات مقدس تو که باقیست پس از فنا شدن هر

شيء وبأسمائك التي ملأت

چیزی وبنامهای شریف تو که پر کرده است

أركان كل شيء وبعلمك الذي

رکنهای هر چیز را وبدانش تو که



أحاط بكل شيء وبنور وجهك
فرا گرفته بهر چیزی وبنور ذات تو
الذي أضاء له كل شيء يا نور يا
که روشن شده بجهة آن هر چیزی ای نور ای
قدوس يا أول الأولين ويا آخر
منزه ای پیشتر از اولینان وای پس تر از
الآخرين اللهم اغفر لي الذنوب
پسینان خداوندا بیامرز بجهة من
الذنوب التي تهتك العصم اللهم
گناهانرا که امید برد بدهار عصمت را خداوندا
اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم
بیامرز بجهة من گناهانرا که فرود میآورد عقوبت را
اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير
خداوندا بیامرز بجهة من گناهانرا که تغیر میدهد
النعم اللهم اغفر لي الذنوب
نعمت را خداوندا بیامرز بجهة من گناهانرا

التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي
که حبس میکند دعا را خداوندا بیامرز بجهة من
الذنوب التي تنزل البلاء اللهم
گناهانرا که فرود میآورد بلا را خداوندا
اغفر لي الذنوب التي كل ذنب
بیامرز بجهة من گناهانرا که هر گناهیکه
أذنبته وكل خطيئة أخطأتها
کرده ام آنرا و هر خطائیکه کرده ام آن خطا را
اللهم إني أتقرب إليك بذكرك
خداوندا بدرستیکه من تقرب میجویم بتو بیاد تو
واستشفع بك إلى نفسك و
و شفاعت میجویم بتو بذات شریف تو و
أسئلك بجودك أن تدنيني
درمیخواهم از تو ببخشش تو اینکه نزدیک گردانی مرا
من قربك وأن توزعني شكرك
از قرب خود و اینکه [illegible] شکر خود



وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي
و اینکه الهام کنی مرا ذکر خود خداوندا بدرستیکه

أَسْئَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ
سؤال میکنم از تو سؤال کردن بهنده خوار

خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَ
از روی خشوع اینکه ... و رحم کنی مرا

تَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا
بگردانی مرا بقسمت خود خوشنود قانع

وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا
و در جمیع حالها متواضع

اَللّٰهُمَّ وَأَسْئَلُكَ سُؤَالَ مَنِ
خداوندا و سؤال میکنم از تو سؤال کردن کسیکه

اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَأَنْزَلَ بِكَ
سخت شده است درویشی او و فرود فرستاد بتو

عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ
نزد سختیها حاجت خود را و بزرگ گردید

فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اَللّٰهُمَّ
در آنچه نزد تست خواهش تو خداوندا

عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ
بزرگست سلطنت تو و برتر است مکان تو

وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَ
و پنهانست مکر تو و پیدا است امر تو و

غَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ
غالبست قهر تو و جاریست قدرت تو

وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ
و نیست ممکن فرار از حکومت تو

اَللّٰهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَ
خداوندا نمی یابم بجهة گناهان خود آمرزنده و

لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ
نه بجهة زشتیهای خود پوشنده و نه بجهة چیزی از

عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا
کردار زشت به نیکوئی بدل کننده



غيرك لا اله الا انت سبحانك

جز تو نیست خدا جز تو منزهی تو

وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت

و بحمد تو مشغولم ستم کردم بنفس خود و جرات کردم

بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك

بنادانی خود و آرام گرفتم بدیرینه ذکر تو

ومنك علي اللهم مولاي كم

و منت تو برمن خداوندا ای آقای من چند

من قبيح سترته وكم من فادح من

از کار زشت که پوشانیدهٔ او را و چه بسیار از بسیار گران

البلاء اقلته وكم من عثار وقيته

بلا که کم گردانیدهٔ آن را و چه بسیار از لغزشها نگاه داشتهٔ مرا

وكم من مكروه دفعته وكم من

و چه بسیار از ناخوشیها که دفع کردهٔ آن را و چه بسیار از

ثناء جميل لست اهلا له نشرته

ثنا نیکو که نیستم سزاوار آن که پهن کردهٔ آن را

اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء

خداوندا بزرگ است بلای من و از حد گذشته است بمن بدی

حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت

حال من کوتاه است بمن کردار من و نشسته است

بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد

زنجیرهای من و منع کرده است از نفع خود پس

امالي وخدعتني الدنيا بغرورها

آرزوهای خود و فریفته است مرا دنیا بفریب خود

ونفسي بخيانتها ومطالي يا سيدي

و نفس من بخیانتهای خود و بدرنگ داشتن من ای آقای من

فاسئلك اللهم بعزتك ان لا

پس درخواست میکنم از تو خداوندا بارجمندی تو که

يحجب عنك دعائي سوء عملي و

نپوشاند از تو دعای مرا بدی عمل من و

فعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت

کردار من و رسوا مساز مرا به پنهان آنچه را مطلع شده

عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي
بر آن از راز خود و زود مگیر مرا
بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي
بعقوبت برانچه کرده ام در خلوتهای خود
مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ
از بدی کردار خود و بدیهای خود و دوام
تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي
تقصیر خود و جهالت خود و بسیاری شهوتهای خود
وَغَفْلَتِي وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي
و غفلت خود و باش خداوندا بار جمندی خود مرا
فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رَؤُفًا وَعَلَيَّ فِي
در حالها همه آن بخشاینده و برمن در
جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَرَبِّي
جمیع امور مهربان الهی من و پروردگار من
مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي
کیست مرا جز تو که در خواهم از و بر داشتن زیان خود

والنظر



وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلَهِي وَمَوْلَايَ
و نظر کردن در کار من الهی من و مولای من
أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ
آیا جاری ساخته برمن حکمی را که پیروی کردم در آن
هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ
خواهش نفس خود را و نگهداری نکردم در آن از
تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى
زینت دادن دشمن خود پس فریب داد مرا بآنچه خواست
وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذَلِكَ الْقَضَا
و یاری داد او را بر این قضا
فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ
پس در گذشتم بآنچه جاری شده برمن از آن
بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ
پاره حدود ترا و مخالفت نمودم بعض
أَوَامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ
کارهای ترا پس مر ترا حمد برمن در همه



ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي
آن ونيست حجتي مرا در آنچه جاريست بر من

فيه قضاؤك والزمني حكمك
در آن قضاي تو ولازم گردانيده مرا حكم تو

وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي
وآزمايش تو وبدرستيكه آمدم ترا اي خداي من

بعد تقصيري واسرافي على
پس از تقصير خود واسراف خود بر

نفسي معتذرا نادما منكسرا
نفس خود عذرخواهنده پشيمان شونده شكسته

مستقيلا مستغفرا منيبا
خواهان عفو آمرزش خواهنده بازآينده

مقرا مذعنا معترفا لا اجد
اقراركننده از روي اذعان معترف شونده نمي يابم

مفرا مما كان مني ولا مفزعا
گريزگاهي از آنچه پيدا شد از من ونه پناهي كه

اتوجه اليه في امري غير قبولك
روكنم بسوي او در امر خود غير پذيرفتن

عذري وادخالك اياي في سعة
عذر مرا ودرآوردن تو مرا در فراخي

من رحمتك اللهم فاقبل عذري
از رحمت تو خداوندا پس بپذير عذر مرا

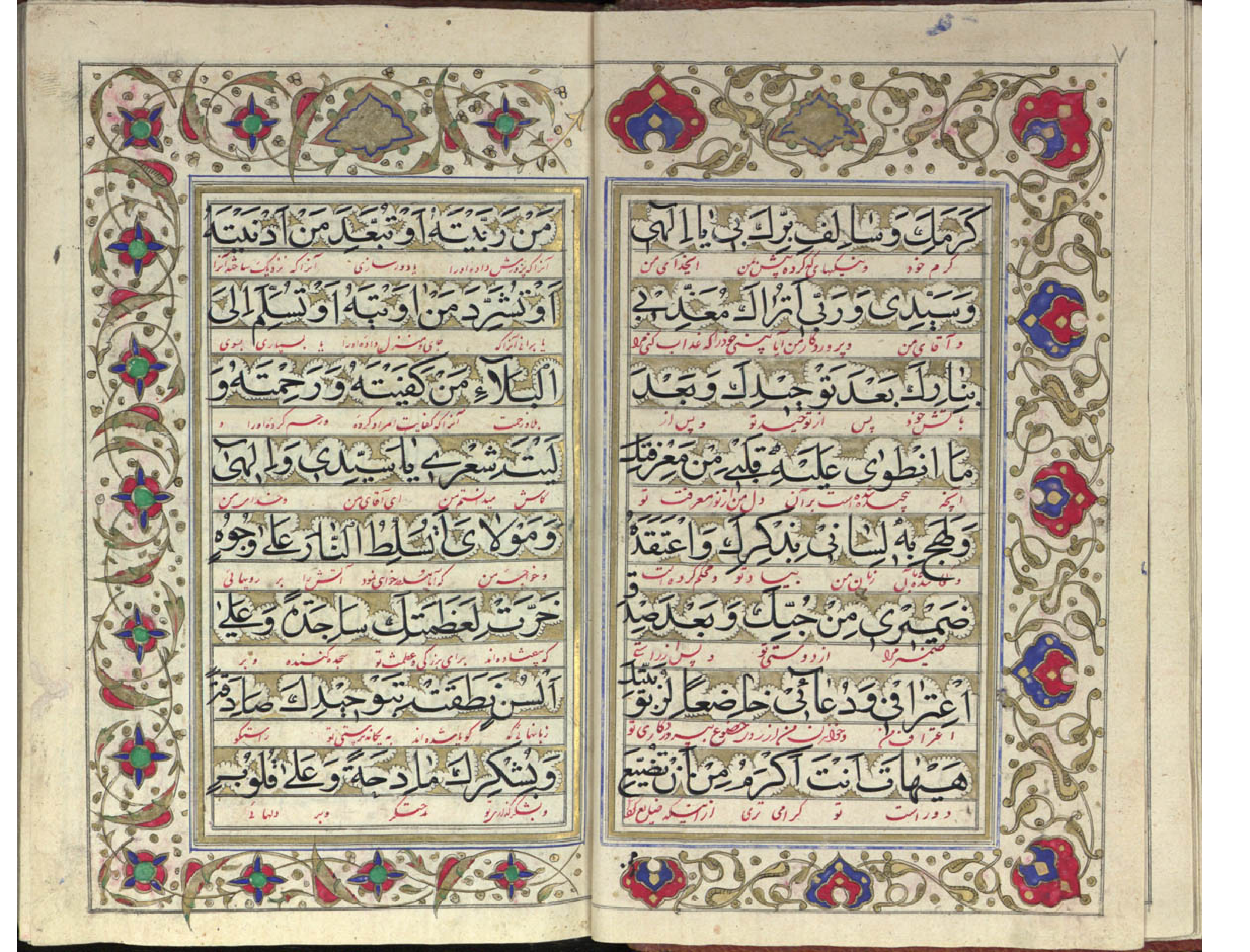
وارحم شدة ضري وفكني من شد
ورحم كن سختي ضرر مرا ورهان مرا از سختي

وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني
گناهان اي پروردگار من رحم كن ضعف بدن مرا

ورقة جلدي ودقة عظمي يا من
ونازكي پوست مرا وباريكي استخوان مرا اي كسيكه

بدء خلقي وذكري وتربيتي و
ابتدا آفرينش مرا وياد كردن مرا وتربيت كردن مرا

بري وتغذيتي هبني لابتداء
نيكي مرا وغذا دادن مرا ببخشيد مرا بجهة ابتدا كردن



كرمك وسالف برك بي يا الهي

کرم خود و نیکیهای که کرده پیش من ای خدای من

وسيدي وربي أتراك معذبي

و آقای من و پروردگار من آیا می بینی خود را که عذاب کننده

بنارك بعد توحيدك وبعد

باتش خود پس از توحید تو و پس از

ما انطوى عليه قلبي من معرفتك

آنچه پیچیده است بر آن دل من از نور معرفت تو

ولهج به لساني من ذكرك واعتقده

و شیفته شده با آن زبان من بیاد تو و محکم کرده است

ضميري من حبك وبعد صدق

ضمیر مرا از دوستی تو و پس از راستی

اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك

اعتراف من و خواندن من از روی خضوع بپروردگاری تو

هيهات انت اكرم من ان تضيع

دور است تو گرامی تری از آنکه ضایع کنی

من ربيته او تبعد من ادنيته

آنرا که پرورش داده او را یا دور سازی آنرا که نزدیک ساخته

او تشرد من اويته او تسلم الى

یا براندازی آنرا که جای و منزل داده او را یا بسپاری بسوی

البلاء من كفيته ورحمته و

بلا و محنت آنرا که کفایت امر او کرده و رحم کرده او را و

ليت شعري يا سيدي والهي

کاش میدانستم من ای آقای من و خدای من

ومولاي أتسلط النار على وجوه

و خواجه من که آیا مسلط خواهی نمود آتش را بر رویهائی

خرت لعظمتك ساجدة وعلى

که بیفتاده اند برای بزرگی و عظمت تو سجده کننده و بر

ألسن نطقت بتوحيدك صادقة

زبانهائی که گویا شده اند به یگانه پرستی تو راستگو

وبشكرك مادحة وعلى قلوب

و بشکر گذاری تو مدحگر و بر دلهائی



اعترفت بالهيتك محققة وعلى

که معترف شده‌اند بخدائی تو از روی تحقیق و بر

ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت

خاطرهای که دربر دارد از دانش تو تا گشته‌اند

خاشعة وعلى جوارح سعت الى

صاحب خشوع و بر اعضائی که کوشش کرده‌اند بسوی

اوطان تعبدك طائعة واشارت

جایگاههای عبادت تو برغبت و اشارت نموده‌اند

باستغفارك مذعنة ما هكذا

بآمرزش خواستن از تو از روی اعتقاد نبود چنین

الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك

گمان بتو و خبر داده نشده‌ایم بفضل تو از تو

يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي

ای بزرگوار ای پروردگار من و تو میدانی ناتوانی مرا

عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها

از اندکی از رنجهای دنیا و عقوبتهای آن

وما يجري فيها من المكاره على

و آنچه جاری شود در آن از ناخوشیها بر

اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه

اهل آن علاوه بر آنکه آن بلائیست و ناخوشی است

قليل مكثه يسير بقاؤه قصير

که اندکست درنگ آن کم است ماندن آن کوتاهست

مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة

هنگام آن پس چگونه بود برداشتن من مر بلای آخرت

وجليل وقوع المكاره فيها وهو

و بزرگ واقع شدن ناخوشیها در آن و آن

بلاء تطول مدته ويدوم مقامه

بلائیست که دراز بود مدت آن و همیشه بود ایستادن آن

ولا يخفف عن اهله لانه لا

و سبک نشود از اهل آن زیرا که آن

يكون الا عن غضبك وانتقامك

نمیباشد مگر از خشم تو و کینه خواستن تو



وَسَخَطِكَ وَهٰذا ما لا تَقُومُ لَهُ

وسخط و غضب تو واین چیزیست که نمی ایستد مر آنرا

السَّمٰواتُ وَالْاَرْضُ يا سَيِّدِي فَكَيْفَ

آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه بود

بِي وَاَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ

بمن و من بنده تو ام ناتوان خوار

الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يا اِلٰهِي

بیمقدار درویش زاری کننده ای خدای من

وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلايَ لِاَيِّ

و پروردگار من و آقای من و خواجه من برای کدامین

الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِما مِنْها اَضِجُّ

کارها بسوی تو شکوه کنم و برای چه از آن بگریه شوم

وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ اَوْ

و بگریم برای دردناک عذاب و سختی آن یا

لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي

برای درازی بلا و مدت آن پس اگر آنکه بگردانی مرا

فِي الْعُقُوباتِ مَعَ اَعْدائِكَ وَ

در عقوبتها با دشمنان خود و

جَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلائِكَ

جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبّائِكَ

و جدا اندازی میان من و میان دوستان خود

وَاَوْلِيائِكَ فَهَبْنِي يا اِلٰهِي وَسَيِّدِي

و محبان خود پس گیرم ای خدای من و آقای من

وَمَوْلايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلى

و خواجه من و پروردگار من صبر کردم من بر

عَذابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلى فِراقِكَ

عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر جدائی تو

وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلى حَرِّ نارِكَ فَكَيْفَ

و گیرم من صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه

اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلى كَرامَتِكَ اَمْ

صبر کنم از نگریستن بسوی کرامت و عطای تو یا



كيف أسكن في النار ورجائي
چگونه آرام گیرم در آتش و امید من
عفوك فبعزتك يا سيدي و
گذشت تو بود پس بعزت تو ای آقای من و
مولاي أقسم صادقا لئن تركتني
خواجه من سوگند میخورم براستی هرآینه اگر واگذاری مرا
ناطقا لأضجن إليك بين أهلها
سخنگو هرآینه بخروشم بسوی تو میان اهل آن
ضجيج الآملين ولأصرخن إليك
چون خروش آرزومندان و هرآینه بنالم البته بسوی تو
صراخ المستصرخين ولأبكين
چون ناله دادخواهندگان و هرآینه گریه کنم البته
عليك بكاء الفاقدين ولأنادينك
بر تو چون گریستن نایابندگان و هرآینه بخوانم البته ترا
أين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية
کجا هستی تو ای دوست گروندگان ای نهایت

آمال العارفين يا غياث المستغيثين
آرزوهای شناسایان ای پناه و دادرس دادخواهان
ويا حبيب قلوب الصادقين و
و ای دوست دلهای راستگویان و
يا إله العالمين أفتراك سبحانك
ای خدای عالمیان آیا پس می‌بینی خود را منزهی تو
يا إلهي وبحمدك تسمع فيها صوت
ای خدای من و بحمد تو مشغولم می‌شنوی در آن آواز
عبد مسلم سجن فيها بمخالفته
بنده مسلمانی را که در زندان شده در آنجا بسبب مخالفت خود
وذاق طعم عذابها بمعصيته
و در چشیده مزه عذاب آن را بسبب نافرمانی خود
وحبس بين أطباقها بجرمه و
و محبوس شده میان طبقهای آن بسبب جرم خود و
جريرته وهو يضج إليك ضجيج
گناه خود و حال آنکه او بخروشد بسوی تو چون خروش



مُؤَمِّلٌ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ

آرزومند مر رحمت ترا و برخواند ترا بزبان

اَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ

یگانه پرستان تو و دوستی می جوید بسوی تو

بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ

به پروردگاری تو ای خواجه من پس چگونه

يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ

بماند در عذاب و حال آنکه او امید دارد آنچه گذشته

مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو

اَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ

یا چگونه برنجاند اورا آتش و حال آنکه او آرزو دارد

فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ اَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ

فضل ترا و رحمت ترا یا چگونه بسوزاند اورا

لَهِيبُهَا وَاَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى

زبانه آن و حال آنکه تو میشنوی آواز اورا و می بینی

مَكَانَهُ اَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

جای اورا یا چگونه شامل شود براو صدای آن

وَاَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ اَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ

و حال آنکه تو میدانی ناتوانی اورا یا چگونه مضطرب باشد

بَيْنَ اَطْبَاقِهَا وَاَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

میان طبقهای آن و حال آنکه تو میدانی راستی اورا

اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ

یا چگونه برنجاند اورا زبانیهٔ آن و حال آنکه او برخواند ترا

يَا رَبَّهُ اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي

که ای پروردگار او یا چگونه امید دارد فضل ترا در

عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا

آزاد شدن خود از آن پس گذاری اورا در آنجا دور است نبود

ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ

این گمان و بظنها بتو و نه شناخته شده از

فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ

فضل تو و نه مانند بود مر آنچه را معامله کرده بدان



تهب لي في هذه الليلة وفي هذه
ببخشی مرا در این شب و در این

الساعة كل جرم أجرمته وكل
ساعت هر گناهی که بجا آورده‌ام آنرا و هر

ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته
بزه‌ای را که بعمل آورده‌ام آنرا و هر زشتی را که پنهان ساخته‌ام آنرا

وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته
و هر نادانی را که بعمل آورده‌ام آنرا باز پوشانیده‌ام آنرا یا آشکار کرده‌ام

أخفيته أو أظهرته وكل سيئة
مخفی ساخته‌ام آنرا یا هویدا کرده‌ام آنرا و هر بدی

أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين
که فرموده بثابت نمودن آن بزرگواران نویسندگان را

الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني و
آنهاکه موکل ساخته ایشانرا بنگهداشتن آنچه سر بزند از من و

جعلتهم شهودا علي من ورائهم
گردانیده ایشانرا گواهان بر من از جز ایشان

والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك
و گواه مر آنچه را پنهان است از ایشان و برحمت خود

أخفيته وبفضلك سترته و
پنهان داشتی آنرا و بفضل خود پوشانیدی آنرا و

أن توفر حظي من كل خير تنزله أو
آنکه وافر سازی بهره مرا از هر نیکی که فرو فرستی آنرا یا

إحسان تفضله أو بر تنشره أو
نیکوئی که فضل نمائی بدان یا خوبی که گستری آنرا یا

رزق تبسطه أو ذنب تغفره أو
روزی که پهن سازی آنرا یا گناهی که بیامرزی آنرا یا

خطاء تستره يا رب يا رب يا رب
خطائی که بپوشی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

يا إلهي وسيدي ومولاي ومالك
ای خدای من و آقای من و خواجه من و مالک

رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما
بندگی من ای آنکه بدست او بود موی پیشانی من ای دانای

بصري ومسكنتي يا خبيرا بفقري

به حال من و درویشی من ای آگاه به احتیاج من

وفاقتي يا رب يا رب يا رب أسئلك

و پریشانی من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من درخواست میکنم از تو

بحقك وقدسك وأعظم صفاتك

بحق تو و پاکی ذات تو و بزرگی و عظمت صفتهای تو

وأسمائك أن تجعل أوقاتي في

و نامهای تو که بکنی وقتهای مرا در

الليل والنهار بذكرك معمورة

شب و روز به یاد خود آبادان

وبخدمتك موصولة وأعمالي

و بخدمت تو پیوسته و کردارهای مرا

عندك مقبولة حتى تكون أعمالي

نزد خود پذیرفته تا باشد کردارهای من

وأورادي كلها وردا واحدا و

و وردهای من همه آن ورد تنها و

في خدمتك سرمدا يا سيدي

وحال من در خدمت خود همیشه ای آقای من

يا من عليه معولي يا من شكوت

ای آنکه بر او بود اعتماد من ای آنکه بسوی او شکوه کنم

أحوالي يا رب يا رب يا رب قو

حالهای خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من نیرومند ساز

على خدمتك جوارحي واشدد

بر خدمت خود اعضای مرا و محکم کن

على العزيمة جوانحي وهب لي

بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا

الجد في خشيتك والاتصال

کوشش در ترس خود و همیشه بودن در پیوستگی

بخدمتك حتى أسرح إليك في

بخدمت خود تا روان شوم بسوی تو در

ميادين السابقين وأسرع إليك

میدانهای پیشی گیرندگان و بشتابم بسوی تو



فِي الْمُبَادِرِينَ وَاشْتَاقَ اِلَى قُرْبِكَ
در پیشی گیرندگان و شوقمند شوم بسوی نزدیکی تو

فِي الْمُشْتَاقِينَ وَاَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ
در میان شوقمندان و نزدیک شوم بتو چون نزدیکی

الْمُخْلِصِينَ وَاَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ
خالص سازندگان کردار و بترسم از تو ترسیدن ارباب یقین

وَاَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُوقِنِينَ
و مجتمع شوم در همسایگی تو با گرویدگان

اَللّٰهُمَّ وَمَنْ اَرَادَنِي بِسُوٓءٍ فَاَرِدْهُ
خداوندا و هر که خواهد مرا بدی پس اراده کن او را

وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ
و هر که کید کند مرا پس کید کن او را و بکن مرا از

اَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ
نیکوترین بندگان خود بهره نزد خود

وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَاَخَصِّهِمْ
و نزدیکتر ایشان بمنزلت نسبت تو و مخصوص تر ایشان

زلفة

زُلْفَةً لَدَيْكَ فَاِنَّهُ لَا يُنَالُ ذٰلِكَ
بدرجت نزد تو پس بدرستیکه رسیده نمیشود آن

اِلَّا بِفَضْلِكَ وَجُدْ لِي بِجُودِكَ
مگر بفضل تو و بخشش کن مرا ببخشش خود

وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَاحْفَظْنِي
و مهربانی کن برمن ببزرگی خود و نگهدار مرا

بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ
برحمت خود و بکن زبان مرا بیاد خود

لَهِجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيَّمًا وَمُنَّ عَلَيَّ
گویا و دل مرا بدوستی خود بی تاب و منت نه برمن

بِحُسْنِ اِجَابَتِكَ وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي
به نیکوئی اجابت خود و واگذار مرا لغزش مرا

وَاغْفِرْ زَلَّتِي فَاِنَّكَ قَضَيْتَ عَلٰى
و بیامرز خطای مرا پس بدرستیکه تو حکم کرده بر

عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَاَمَرْتَهُمْ
بندگان خود بپرستش خود و فرموده ایشانرا

بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ

بخواندن خود وضامن شده برای ایشان اجابت را

فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَ

پس بدرستیکه بسوی تو ای پروردگار من فرا داشتم روی خود را و

إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي

بسوی تو ای پروردگار من کشیده ام دست خود را

فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ

پس بعزت خود مستجاب ساز مرا دعای مرا و

بَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ

برسان مرا بآرزوی من ومبر از فضل خود

رَجَائِي وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

امید مرا وکفایت کن مرا شر دیوان وآدمیان

مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ

از دشمنان من ای زود خشنودی بیامرز

لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ فَإِنَّكَ

مرآنرا که قدرت ندارد مگر دعا کردن را پس بدرستیکه تو

فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ

کننده مرآنچه خواهی ای آنکه نام او داروی دردها بود

وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنًى ارْحَمْ

ویاد او شفای بیماریهاست وفرمانبرداری او مایه بی نیازیست رحم کن

مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ

آنرا که سرمایه او امید بود وسلاح او

الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ

گریستن بود ای تمام نعمتها ای دفع کننده عذابها

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا

ای روشنی وحشت یافتگان در تاریکیها ای

عَالِماً لَا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

دانائی که در آموخته نشود رحمت کن بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

محمد وبکن نسبت بمن آنچه تو سزاوار آنی

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ

ورحمت کناد خدا بر رسول او وپیشوایان



الميامين من آله وسلم تسليما

صاحب میمنت از آل او و درود فرستاد درود فرستادنی

كثيرا كثيرا

بسیار

هذا دعاء السمات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم إني أسئلك باسمك

خداوندا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو بنام تو

العظيم الأعظم الأعظم

بزرگ بزرگتر بزرگتر

الأعز الأجل الأكرم الذي إذا

عزیزتر بزرگوارتر گرامیتر آنکه چون

دعيت به على مغالق أبواب

خوانده شدی بدان بر کلید بستهای درهای

السماء للفتح بالرحمة انفتحت

آسمان برای گشایش برحمت گشاده شدی

وإذا دعيت به على مضائق أبواب

و چون خوانده شدی بدان بر تنگیهای درهای

الأرض للفرج بالرحمة انفرجت

زمین برای فرج برحمت گشوده شدی

وإذا دعيت به على العسر لليسر

و چون خوانده شدی بدان بر امر دشوار برای آسانی

تيسرت وإذا دعيت به على

آسان شدی و چون خوانده شدی بدان بر

الأموات للنشور انتشرت و

مردگان برای زنده شدن زنده شدی و

إذا دعيت به على كشف البأساء

چون خوانده شدی بدان بر برداشتن سختیها

والضراء انكشفت وبجلال

و بد حالی برداشته شدی و بجلالت و بزرگواری



وجهك الكريم اكرم الوجوه و
ذات مکرم تو که بزرگوار است گرامیتر ذاتهای مقدسه و

اعز الوجوه الذي عنت له الوجوه
ارجمندتر ذاتهای مقدسه آنکه برنج و پستی آمد مراورا رویها

وخضعت له الوجوه وخشعت
وخضوع کرد مراورا رویها وبخشوع و ترس آمد

له الاصوات ووجلت له القلوب
مراورا آوازها وبترس آمد مراورا دلها

من مخافتك وبقوتك التي تمسك
از ترس تو وبتوانائی تو که نگاه داری

بها السماء ان تقع على الارض الا
بدان آسمان را از آنکه بیفتد بر زمین مگر

باذنك وتمسك السموات والارض
بخواست تو ونگاه داری آسمانها وزمین را

ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما
از آنکه برطرف شوند وهر آینه اگر برطرف شوند نگاه ندارد آنهارا

من احد من بعدك وبمشيتك
یکی کس از پس تو وبخواستن تو

التي دان لها العالمون وبكلمتك
آنکه پست شدند مرآنرا جهانیان وبسخن تو

التي خلقت بها السموات والارض
آنکه آفریدی بدان آسمانها را وزمین را

وبحكمتك التي صنعت بها العجائب
وبحکمت وهنر تو آنکه ساخته کردی بدان امور عجیبه را

وخلقت بها الظلمة وجعلتها
وپیدا فرمودی بدان تاریکی را وگردانیدی آنرا

ليلا وجعلت الليل سكنا وخلقت
شب وگردانیدی شب را مایه آرامش وپیدا فرمودی

بها النور وجعلته نهارا وجعلت
بدان روشنی را وگردانیدی آنرا روز وگردانیدی

النهار نشورا مبصرا وخلقت بها
روزرا سبب پراگنده شدن مایه بینائی وآفریدی بدان

الشمس وجعلت الشمس ضياء و

خورشید را وگردانیدی خورشید را مایه روشنی و

خلقت بها القمر وجعلت القمر

پیدا فرمودی بدان ماه را وگردانیدی ماه را

نورا وخلقت بها الكواكب و

سبب روشنی و آفریدی بدان ستارگان را و

جعلتها نجوما وبروجا ومصابيح

گردانیدی آنرا ستارگان و برجها و چراغها

وزينة ورجوما وجعلت لها

و آرایش و تیرها و گردانیدی مر آنرا

مشارق ومغارب وجعلت لها

بر شدن جایها و فرو شدن جایها و گردانیدی مر آنرا

مطالع ومجاري وجعلت لها

جای بر شدن و جای روان شدن و گردانیدی مر آنرا

فلكا ومسابح وقدرتها في

چرخی و جای شناوری و اندازه کردی آنرا در

السماء منازل فاحسنت تقديرها

آسمان منزلها پس نیکو کردی اندازه کردن آنرا

وصورتها فاحسنت تصويرها

و صورت نگاشتی آنرا پس نیکو ساختی صورت نگاری آنرا

واحصيتها باسمائك احصاء و

و بر شمردی آنرا بنامهای خود بر شمردنی و

دبرتها بحكمتك تدبيرا فاحسنت

تدبیر کردی آنرا بحکمت خود تدبیر کردنی پس نیکو کردی

تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل

تدبیر آنرا و مسخر ساختی آنرا بحجت شب

وسلطان النهار والساعات و

و حجت روز و ساعتها و

عرفت به عدد السنين والحساب

شناسانیدی بدان شمار سالها و حساب را و گردانیدی

رؤيتها لجميع الناس مرئ واحدا

دیدن آنرا برای همه مردمان دیدنی شما



فاسئلك اللهم بمجدك الذي

پس درخواست میکنم از تو خداوندا به بزرگواری تو که

كلمت به عبدك و رسولك موسى

سخن گفتی بدان بنده خود را و رسول خود را موسی

بن عمران عليه السلام في المقدسين

پسر عمران برا او باد درود در مقدسان

فوق احساس الكروبيين فوق

بالای ادراکات ملائکه کروبیان بالای

غمائم النور فوق تابوت الشهادة

ابرهای نور بالای تابوت شهادت

في عمود النار وفي طور سيناء

در ستون آتش و در کوه طور سینا

وفي جبل حوريث وفي المقدس

و در کوه حوریث و در وادی مقدس

في البقعة المباركة من جانب

در بقعه بابرکت از جانب

الطور الايمن من الشجرة وفي

طور جانب راست از درخت و در

ارض مصر بتسع ايات بينات و

زمین مصر به نه نشان روشن و آن روز

فرقت لبني اسرائيل البحر في

که شکافتی برای فرزندان یعقوب دریا را در روز

المنبجسات التي صنعت بها العجائب

روان شدن آب از سنگ آنکه ساخته کردی بدان امور عجیبه را

في بحر سوف وعقدت ماء

در دریای سوف و بستی آب

البحر في قلب الغمر كالحجارة و

دریا را در باطن آب بسیار چون سنگها و

جاوزت ببني اسرائيل البحر و

درگذرانیدی فرزندان یعقوب را از دریا و

وتمت كلمتك الحسنى عليهم

تمام شد سخن تو نیکوتر بر ایشان



بما صبروا واورثتهم مشارق

بدانکه صبر کردند وبمیراث دادی ایشانرا برآمدنگاهای خورشید

الارض ومغاربها التي باركت

از زمین و فرو شدنگاهای آن آنکه برکت کردی

فيها للعالمين واغرقت فرعون

در آن برای عالمیان وغرق کردی فرعون را

وجنوده ومراكبه في اليم واسئلك

و لشکرهای او را و مرکوبهای او را در دریا و درخواست میکنم ترا

باسمك العظيم الاعظم الاعز

بنام تو بزرگ بزرگتر بزرگتر

الاجل الاكرم وبمجدك الذي

باجلالتر بزرگوارتر وببزرگواری تو آنکه

تجليت به لموسى كليمك عليه

تجلی فرمودی بدان برای موسی هم سخن خود براو باد

السلام في طور سيناء لابرهيم

درود درکوه طور سینا وبرای ابراهیم

خليلك من قبل في مسجد الخيف

دوست خود از پیش در مسجد خیف

ولاسحق صفيك عليه السلم

وبرای اسحق خالص کرده تو براو باد درود

في بئر شيع وليعقوب نبيك

در چاه شیع وبرای یعقوب پیغمبر تو

عليه السلام في بيت ايل واوفيت

براو باد درود در خانه ایل ووفا کردی

لابرهيم بميثاقك ولاسحق عليه

برای ابراهیم به پیمان تو وبرای اسحق براو باد

السلام بحلفك وليعقوب بشهادتك

درود بسوگند تو وبرای یعقوب بشهادت تو

وللمؤمنين بوعدك وللداعين

وبرای گروندگان بوعده تو وبرای خوانندگان

باسمائك فاجبت وبمجدك الذي

بنامهای تو پس اجابت کردی وببزرگواری تو که



ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَى قُبَّةِ
ظاهر شد برای موسی پسر عمران بر قبه

الرُّمَّانِ وَبِأَيْدِكَ الَّتِي رُفِعَتْ وَ
رمان وبه نیروی تو که برافراشته شد و

بِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ
بنشانهای تو که بیفتاد بر زمین شهر مصر

بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ بِآيَاتٍ عَزِيزَةٍ
به بزرگواری عزت وغالب شدن بنشانهای عزیز

وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ
و بپادشاهی توانائی وبغلبه نیرو

وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ وَبِكَلِمَاتِكَ
وبشان وکار کلمه تام وبسخنان تو

الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمٰوَاتِ
آنکه تفضل نهادی بدان بر اهل آسمانها

وَالْأَرْضِ وَأَهْلِ الْآخِرَةِ وَبِرَحْمَتِكَ
وزمین واهل آخرت وبرحمت تو

الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ
آنکه منت نهادی بدان بر همه آفرینش خود

بِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا
و باستطاعت وقدرت تو آنکه بپاداشتی بدان

عَلَى الْعَالَمِينَ وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ
عالمیان را وبروشنی ذات مقدس تو که براستیکه

خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ وَبِعِلْمِكَ
بیفتاد از ترس آن طور سینا وبدانش تو

وَجُودِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَائِكَ
وبخشش تو وبزرگواری تو وبزرگی تو

وَعِزَّتِكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا
وعزت تو وجبروت تو آنکه مستقل نگردانید

الْأَرْضُ وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمٰوَاتُ
زمین وپست شده است مرآنرا آسمانها

وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ الْأَكْبَرُ وَرَكَدَتْ
و ممنع شده مرآنرا ژرف بزرگ یعنی تخم زمین وبایستاده



لها البحار والأنهار وخضعت
برای آن دریاها وجویها وفروتنی کرده است
لها الجبال والرياح وسكنت لها
از جهت آن کوهها وبادها وآرام گرفته است برای آن
الأرض بمناكبها واستسلمت
زمین با شانهای خود وگردن نهاده اند
لها الخلائق كلها وخفقت لها
مر آنرا مخلوقات همه آن ومضطرب شده است از جهت آن
الرياح في جريانها وخمدت لها
بادها در روان شدن خود وفرونشسته برای آن
النيران في أوطانها وبسلطانك
آتشها در وطنهای خود وبپادشاهی تو
الذي عرفت لك الغلبة دهر
آنکه شناخته شده برای تو بدان غالب شدن روزگار
الدهور وحمدت به في السموات
روزگارها بغیر همیشه وستایش کرده شدی بدان در آسمانها

والأرضين وبكلمتك كلمة
و زمینها وبسخن تو سخن
الصدق التي سبقت لأبينا آدم
راستی آنکه پیشی گرفته مر پدرما حضرت آدم
عليه السلام وذريته بالرحمة
براو باد درود وفرزندان اورا برحمت
وأسئلك بكلمتك التي غلبت و
ودرخواست میکنم از تو بسخن تو که غلبه کرده بر چیزها و
بنور وجهك الذي تجليته للجبل
بروشنی ذات مقدس تو که تجلی فرموده بدان مرکوه را
فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك
پس کرد آنرا خورد ومورد وبیفتاد موسی بیهوش وببزرگی تو
الذي ظهر على طور سيناء فكلمت
آنکه هویدا شد بر طور سینا پس سخن گفتی
به عبدك ورسولك موسى بن
بدان بنده خودرا ورسول خودرا موسی پسر



عمران عليه السلام وبطلعتك

براو باد درود عمران وبتابش نور تو

في ساعير وظهورك في جبل فاران

در ساعیر وبهویدا شدن تو در کوه فاران

بربوات المقدسين وجنود الملائكة

بلندیهای محل مناجات مقدسان ولشکرهای فرشتگان

الصافين وخشوع الملائكة المسبحين

صف زنندگان وبترس وخشوع فرشتگان تسبیح کنندگان

وبركاتك التي باركت فيها على

وببرکتهای تو آنکه برکت کردی در آن به

ابرهيم خليلك عليه السلام

ابراهیم دوست تو براو باد درود

صلواتك عليه وآله في امة

رحمتهای تو براو وآل او باد در امت

محمد صلى الله عليه وآله وباركت

محمد رحمت کناد خدا براو وآل او وبرکت کردی

لاسحق

لاسحق صفيك في امة موسى عليهما

برای اسحق برگزیده وخالص خود در امت موسی برآنها باد

السلام وباركت لحبيبك محمد

درود وبرکت کردی برای دوست خود محمد

صلى الله عليه وآله في عترته

رحمت کناد خدا براو وآل او در فرزندان او و

ذريته وامته بالرحمة اللهم

ذریه او وامت او برحمت خداوندا

وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده

وچنانکه غایب بودیم از آن وحضور نداشتیم آنرا

وآمنا به ولم نره صدقا وعدلا

وبگرویدیم بدو وحال آنکه ندیدیم اورا براستی واعتدال

ان تصلي على محمد وآل محمد وان

آنکه رحمت کنی بر محمد وآل محمد وآنکه

تبارك على محمد وآل محمد وترحم

برکت فرستی بر محمد وآل محمد ورحم کنی



عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
بر محمد و آل محمد چون بهترین آنچه رحمت کردی

وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى اِبْرٰهِيمَ وَ
و برکت کردی و رحم کردی بر ابراهیم و

آلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعَّالٌ
آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری کننده

لِمَا يُرِيدُ وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
مر آنچه را خواهی و تو بر هر چیزی توانائی

پس حاجات خود را ذکر کند و بدانکه بعضی تا اینجا

يَا اَللهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ
ای خدا ای مهربان ای خداوند عطا ای نو آفریدگار

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
آسمانها و زمین ای خداوند جلالت

وَالْاِكْرَامِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
و بزرگواری ای مهربانتر مهربانان خداوندا

بِحَقِّ هٰذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هٰذِهِ
بحرمت این دعا و بحرمت این

الْاَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ
نامها که نمیداند تفسیر آنرا و

لَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى
نمیداند باطن آنرا جز تو رحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا
محمد و آل محمد و بکن نسبت بمن آنچه

اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا
تو سزاوار آنی و مکن نسبت بمن آنچه من

اَهْلُهُ وَانْتَقِمْ لِي مِمَّنْ يُؤْذِينِي
سزاوار آنم و کینه بازخواه برای من از آنکه رنجاند مرا

یا حاجت خود را ذکر کند و دفع شر هر کرا خواهی بکن

وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ
و بیامرز برای من گناهان مرا آنچه پیش گذشته از آن و

ما تأخر ووسع علي من حلال
آنچه پس واقع شده باشد و فراخ ساز بر من از حلال

رزقك واكفني من جميع مهمات
روزی خود و کفایت کن مرا از همه مطلبهای بزرگ

الدنيا والآخرة واكفني مؤنة
دنیا و آخرت و کفایت کن مرا از مؤنه و ضرر

إنسان سوء وجار سوء وقرين
آدمی بد و همسایه بد و همدم

سوء وسلطان سوء ويوم سوء
بد و پادشاه بد و روز بد

وانتقم لي ممن يكيدني وبغى
و کینه بازخواه برای من از آنکه کید سازد مرا و ستم کند

علي ويريدني واهلي واولادي
بر من و اراده کند نسبت من و کسان مرا و فرزندان مرا

واخواني وجيراني وقراباتي
و برادران من و همسایگان من و خویشان مرا

من المؤمنين والمؤمنات ظلما
از مردان مؤمن و زنان مؤمنه ستمی

إنك على ما تشاء قدير وبكل
بدرستیکه تو بر آنچه خواهی توانائی و بهر

شيء عليم آمين يا رب العالمين
چیزی دانائی مستجاب کن ای پروردگار عالمیان

وصلى الله على محمد وعترته الطاهرين
و رحمت کناد خدا بر محمد و فرزندان و پاکان

وسلم تسليما كثيرا أبدا دائما
و درود فرستد درود فرستادنی بسیار همیشه دائم

يا الله برحمتك يا رب اللهم بحق
ای خدا برحمت تو ای پروردگار من خداوندا بحق

هذا الدعاء أن تتفضل على فقراء
این دعا آنکه تفضل کنی بر درویشان

المؤمنين والمؤمنات بالغنى و
مردان مؤمن و زنان مؤمنه بتوانگری و



الشروع وعلى مرضى المؤمنين و
المؤمنات باللطف والكرم و
على اموات المؤمنين والمؤمنات
بالغفران والرحمة وعلى غرباء
المؤمنين والمؤمنات بالرد
الى اوطانهم سالمين غانمين
برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم بحق هذا الدعاء وبما

فات فيه من الاسماء وبما يشتمل
عليه من التفسير والتدبير الذي
لا يحيط به الا انت ان تفعل بي
كذا وكذا بس حاجات خود را از خدا بخواهد
يا عدتي عند كربتي ويا غياثي
عند شدتي ويا وليي عند
نعمتي ويا منجحي في حاجتي ويا مفزعي
في ورطاتي ويا منقذي من



تهلكني ويا كالئي في وحدتي صلّ

هلاک شدن من وای نگهدارنده من در تنهائی من رحمت کن

على محمد وآل محمد واغفر لي

بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا

خطيئتي ويسّر لي امري واجمع

گناه من و آسان ساز برای من کار مرا و جمع ساز

لي شملي وانجح لي طلبتي واصلح

برای من اسباب تفرقه مرا و برسان برای من مطلوب مرا و باصلاح آور

شاني واكفني ما اهمني واجعل

کار مرا و کفایت کن مرا آنچه مهم بود مرا و بکن تو

لي من امري فرجا ومخرجا ولا

برای من از کار من گشایش و بیرون شد بجائی و

تفرق بيني وبين العافية ابدا

جدا مکن میان من و میان صحت و عافیت هرگز

ما ابقيتني وعند وفاتي اذا

تا باقی گذاری مرا و نزد مردن من چون

توفيتني يا ارحم الراحمين و

جان ستانی مرا ای مهربان‌ترین مهربانان و

صلى الله على محمد وآله اجمعين

رحمت کناد خدا بر محمد و آل او جمله

مكارم الاخلاق

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يا من تحل به عقد المكاره ويا

ای آنکه گشاده شود به تو گرهای ناخوشیها و ای

من يفثأ به حد الشدائد ويا من

آنکه کند و نرم شود به تو تیزی سختیها و ای آنکه

يلتمس منه المخرج الى روح الفرج

التماس و درخواست شود از او بیرون شد بجا بسوی خوشی گشایش

ذلت لقدرتك الصعاب و

رام شد برای توانائی تو امور شده صعب و

تسببت بلطفك الاسباب وجرى

سبب شده بمهربانی تو سببها وجاری شده

بقدرتك القضاء ومضت على

بتوانائی تو قضا ورفته است بر

ارادتك الاشياء فهى بمشيتك

حسب خواست تو چیزها پس آن بخواست و مشیت تو

دون قولك مؤتمرة وبارادتك

جز گفتار تو فرمانبردارند و باراده تو

دون نهيك منزجرة انت المدعو

بغیر نهی فرمودن تو باز ایستاده اند توئی خوانده شده

للمهمات وانت المفزع فى الملمات

از برای کارهای بزرگ و توئی پناهگاه در بلاها که فرود آید

لا يندفع منها الا ما دفعت ولا

دفع نخواهد شد از آن بلاها مگر آنچه را تو دفع کنی و

ينكشف منها الا ما كشفت وقد

برداشته نشود از آنها مگر آنچه تو برداری و بدرستی که

نزل بى يا رب ما قد تكاءدنى ثقله

فرود آمده بمن ای پروردگار من آنچه بتحقیق رنج آورده مرا گرانی آن

والم بى ما قد بهظنى حمله و

و رسیده است مرا آنچه بتحقیق عاجز آورده مرا برداشتن آن و

بقدرتك اوردته على وبسلطانك

بتوانائی خود وارد ساختی آنرا بر من و بسلطنت خود

وجهته الى فلا مصدر لما اوردت

متوجه ساختی آنرا بسوی من پس نبود برون آورنده مر آنچه را وارد ساختی

ولا صارف لما وجهت ولا فاتح

و نه برگرداننده مر آنچه را متوجه فرمودی و نه گشاینده

لما اغلقت ولا مغلق لما فتحت

مر آنچه را بسته باشی تو و نه بربنده مر آنچه را گشاده تو

ولا ميسر لما عسرت ولا ناصر

و نه آسان کننده مر آنچه را دشوار ساختی آنرا و نه یاری کننده

لمن خذلت فصل على محمد واله

مر آنرا که فرو گذاشته تو پس رحمت کن بر محمد و آل او



وافتح لي يا رب باب الفرج بطولك

واكسر عني سلطان الهم بحولك

وانلني حسن النظر فيما شكوت

واذقني حلاوة الصنع فيما سألت

وهب لي من لدنك رحمة وفرجا

هنيئا واجعل لي من عندك

مخرجا وحيا ولا تشغلني بالاهتمام

عن تعاهد فروضك واستعمال

سنتك فقد ضقت لما نزل بي

يا رب ذرعا وامتلأت بحمل

ما حدث علي هما وانت القادر

على كشف ما منيت به ودفع ما وقعت

فيه فافعل بي ذلك وان لم

استوجبه منك يا ذا العرش

العظيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

لا اله الا الله الها واحدا ونحن

نبود هیچ خدائی مگر خدا خدای یگانه و ما

له مسلمون ✿ لا اله الا الله لا نعبد

مراورا منقاد و تسلیم نبود هیچ خدا مگر خدا نپرستیم

الا اياه مخلصين له الدين ولو

مگر اورا خالص کنندگان مراورا دین و اگرچه

كره المشركون ✿ لا اله الا الله

کراهت دارند انباز فرا ورندگان نبود هیچ خدا مگر خدا

ربنا ورب ابائنا الاولين لا اله

پروردگار ما و پروردگار پدران ما اولینیان نبود هیچ خدا

الا الله وحده وحده وحده صدق

مگر خدا یگانه است او یگانه است او یگانه است او راست فرماید

وعده ونصر عبده واعز جنده

وعده خودرا و یاری کند بنده خودرا و ارجمند و غالب ساخت لشکر خود

وهزم الاحزاب وحده فله الملك

و بشکند گروهها را به تنهائی پس مراورا بود پادشاهی

وله الحمد يحيي ويميت وهو حي

و مراورا بود سپاس زنده کند و بمیراند و او زنده بود

لا يموت بيده الخير وهو على

که نخواهد مردن بدست قدرت او بود نیکی و او بر

كل شيء قدير ✿

هر چیزی توانا بود

اللهم اهدني من عندك و

خداوندا راه نما مرا از نزد خود و

افض علي من فضلك وانشر

بریز بر من از فضل خود و پهن کن

علي من رحمتك وانزل علي من

بر من از رحمت خود و فرو فرست بر من از

بركاتك سبحانك لا اله الا

برکتهای خود منزهی تو نبود هیچ خدای مگر

انت اغفر لي ذنوبي كلها جميعا

تو بیامرز مرا گناهان من همه آن اجمله



فإنه لا يغفر الذنوب كلها جميعا

پس بدرستیکه نخواهد آمرزید گناهان را همه آنرا جمله

إلا أنت بعد از فریضه بخوانند

مگر تو

اللهم إني أسئلك من كل خير

خداوندا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو از هر نیکی

أحاط به علمك وأعوذ بك من

که فرو گرفته است آنرا دانش تو و پناه میبرم بتو از

كل شر أحاط به علمك اللهم

هر بدی که احاطه کرده بدان دانش تو خداوندا

إني أسئلك عافيتك في أموري

بدرستیکه من درخواست میکنم از تو بخشش سرانجامی از تو در کارهای من

كلها وأعوذ بك من خزي الدنيا

همه آن و پناه میبرم بتو از خواری دنیا

وعذاب الآخرة ومن أهوال يوم

و عذاب آخرت و از هولها و ترسهای روز

القيمة وأعوذ بوجهك الكريم

قیامت و پناه میبرم بذات مقدس تو خداوند بزرگوار است

وسلطانك القديم وعزتك

و سلطنت تو که دیرینه بود و از جمیع عزت تو

التي لا ترام وقدرتك التي لا يمتنع

که جسته نگردد و توانایی تو که ممتنع و سرکش نبود

منها شيء من شر الدنيا والآخرة

از آن چیزی از شر دنیا و آخرت

ومن شر الأوجاع كلها و

و از شر دردها همه آن و

من شر كل ذي شر أنت آخذ

از شر هر جنبنده که تو گیرنده

بناصيتها إن ربي على صراط

سوی پیشانی آنرا بدرستیکه پروردگار من بر راه

مستقيم ولا حول ولا قوة إلا

راست بود و نیست قدرت و توانایی و نیرو مگر



العظيم — بعد از هر نماز بخواند

فرشته بزرگ

سبحان الله كلما سبح الله شيء و

سبحانست خدا هرگاه که تسبیح کند خدا را چیزی و

كما يحب الله ان يسبح وكما هو

چنانکه دوست دارد خدا که تسبیح کرده شود و چنانکه او

اهله وكما ينبغي لكرم وجهه

سزاوار آنست و چنانکه سزد و برای بزرگواری ذات مقدس او

وعز جلاله والحمد لله كلما حمد

و عزت جلالت او و سپاس مر خدا راست هرگاه که سپاس کند

الله شيء وكما يحب الله ان يحمد و

خدا را چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که سپاس کرده شود و

كما هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه

چنانکه او سزاوار آنست و چنانکه سزد و برای بزرگی ذات مقدس او

وعز جلاله ولا اله الا الله كلما

و عزت جلالت او و نبود هیچ خدائی مگر خدا هرگاه

هلل الله شيء وكما يحب الله ان

تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که

يهلل وكما ينبغي لكرم وجهه و

تهلیل کرده شود و چنانکه سزد و مر بزرگواری ذات مقدس او را و

عز جلاله والله اكبر كلما كبر الله

عزت جلالت او و خدا بزرگتر است هرگاه بزرگی یاد کند خدا را

شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما

چیزی و چنانکه دوست دارد خدا که بزرگی یاد شود و چنانکه

هو اهله وكما ينبغي لكرم وجهه

او سزاوار آنست و چنانکه سزد و مر بزرگواری ذات مقدس او را

وعز جلاله سبحان الله والحمد

و عزت جلالت او سبحانست خدا و سپاس

لله ولا اله الا الله والله اكبر على

مر خدا راست و نبود هیچ خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است بر

نعمة انعم بها علي وعلى كل احد

نعمتی که انعام کرده بدان بر من و بر هر کس



مِن خَلقِهِ مِمَّن کانَ اَو یَکُونُ اِلیٰ

از آفرینش او از آنکه بود یا باشد تا

یَومِ القِیٰمَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ

روز قیامت خداوندا بدرستیکه درخواست میکنیم از تو

اَن تُصَلّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَسئَلُكَ

آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و درخواست میکنیم از تو

خَیرَ ما اَرجُوا وَ خَیرَ ما لا اَرجُوا وَ اَعُوذُ

نیکی آنچه امید دارم و نیکی آنچه امید ندارم و پناه میبرم

بِكَ مِن شَرِّ ما اَحذَرُ وَ مِن شَرِّ ما لا

بتو از بدی آنچه میترسم و از بدی آنچه

اَحذَرُ شیخ طوسی رحمه

نمیترسم

الله بسند معتبر از محمد بن سلیمان

دیلمی روایت کرده است که بخدمت

حضرت صادق علیه السلام عرض

کردم که شیعیان تو میگویند که

ایمان بر دو قسم است یکی آنکه

مستقر و ثابت است و دیگری

مستودع و بامانت سپرده شده

و زایل میگردد پس بیاموز بمن

دعائیکه هر گاه بخوانم ایمان من

کامل گردد و زایل نشود فرمود



اگر بعد از هر نماز واجب این دعا
را بخوان تا ایمان تو مستقر شود
و ثابت بماند ان شاء الله تعالی

[illegible]

رضیت بالله ربا و بمحمد نبیا و با
راضی شده ام بخدا به پروردگاری و بمحمد به پیغامبری و
لاسلام دینا و بالقرآن کتابا و
بدین اسلام به دین خود و بقرآن بکتاب و
بالکعبة قبلة و بعلی ولیا و اماما
بکعبه بقبله خود و بعلی ولی خود و پیشوای خود
و بالحسن و الحسین و علی بن
و بحسن و حسین و علی پسر

الحسین و علی بن الحسین و محمد
حسین و علی پسر حسین و محمد
بن علی و جعفر بن محمد و موسی
پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی
بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن
پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر
علی و علی بن محمد و الحسن بن علی
علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی
و الحجة بن الحسن صلوات الله
و حجت پسر حسن رحمتهای خدا
علیهم ائمة اللهم انی رضیت
بر ایشان راضی شده ام به پیشوائی خداوندا بدرستیکه من راضی شدم
بهم ائمة فارضنی لهم انک علی
بایشان به پیشوائی پس راضی گردان مرا بخاطر ایشان بدرستیکه تو بر
کل شیء قدیر
هر چیزی توانایی

قال الصادق عليه السلام من

گفت حضرت صادق براو باد درود هرکه

صلى على النبي صلى الله عليه وآله

صلوات فرستد بر پیغامبر رحمت کند خدا براو وآل او

بهذه الصلوة محت خطاياه ودام

بااین نوع صلوات محو خواهد گناهان او وهمیشه شود

سروره واستجيب دعاؤه واعين

شادی او ومستجاب شود دعای او ویاری کرده شود

على عدوه وهيئ له اسباب الخير

بر دشمن خود ومهیا شود برای او اسباب نیکی

واعطى امله وبسط له في رزقه

وعطا کرده شود آرزوی خود را وگسترده شود برای او در روزی او

وكان في رفقاء محمد وآله في

وباشد درجمله رفیقان محمد وآل او در

الجنة

بهشت

دعاء صلوة

اللهم

خداوندا

صل على محمد وآل محمد في الاولين

رحمت کن بر محمد وآل محمد در اولینیان

وصل على محمد وآله في الآخرين

ورحمت کن بر محمد وآل او در بازپسینان

وصل على محمد وآله في الملاء

ورحمت کن بر محمد وآل او در اشراف

الاعلى الى يوم الدين وصل على

مکان فرشته تا روز جزا ورحمت کن بر

محمد وآله في المرسلين وصل

محمد وآل او درجمله فرستاده شدگان ورحمت کن

على محمد وآل محمد حتى ترث الارض

بر محمد وآل محمد تا میراث گیری زمین را

ومن عليها وانت خير الوارثين

وآنرا که برآنست وتو بهترین ارث زندگانی

اللهم اعط محمدا وآل محمد

خداوندا عطا فرما محمد وآل محمد را

الوسيلة والفضيلة والشرف

درجت وسيله وفضيلت وزيادتى وشرف

والرفعة والدرجة الكبيرة

و بلندى ودرجت بزرگ

اللهم انى آمنت بمحمد صلى الله

خداوندا بدرستيكه من بگرويدم بمحمد رحمت كناد خدا

عليه وآله ولم اره فلا تحرمنى

براو وآل او وحال آنكه نديدم اورا پس محروم مسازمرا

يوم القيمة رؤيته وارزقنى

روز قيامت ازديدن او و روزى كن مرا

صحبته وتوفنى على ملته واسقنى

همراهى او وجان بستان مرا بر ملت او وسيراب سازمرا

من حوضه مشربا هنيئا لا اظما

از حوض او آشاميدنى گوارا كه تشنه نشوم

بعده ابدا انك على كل شيء قدير

پس از آن هرگز بدرستى كه تو بر هر چيزى توانائى

اللهم انى امنت بمحمد صلى الله

خداوندا بدرستيكه من بگرويدم بمحمد رحمت كناد خدا

عليه وآله ولم اره فعرفنى فى

براو وآل او وحال آنكه نديدم اورا پس بشناسان مرا در

الجنان وجهه اللهم بلغ محمدا

بهشت روى مبارك اورا خداوندا برسان محمدرا

صلى الله عليه وآله منى تحية

رحمت كناد خدا براو وآل او از من تحيت

كثيرة وسلاما

بسيار ودرود

تعقيب نماز ظهر

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشاينده مهربان

يا من اظهر الجميل وستر القبيح

اى آنكه هويدا ساخت نيكورا وپوشانيد زشت را



يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك

ای آنکه فرا نگیرد بگناه و ندرانید

الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز

پرده را ای بزرگ گذشت ای نیکو مجاوزت

يا واسع المغفرة يا باسط اليدين

ای فراخ آمرزش ای گسترانده دو دست قدرت

بالرحمة يا صاحب كل حاجة

برحمت ای صاحب هر نیازمندی

يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات

ای گشاینده هر اندوه ای واگذارنده لغزشها

يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئ

ای بزرگوار فرو گذاشت ای بزرگ عطا ای ابتدا کننده

بالنعم قبل استحقاقها يا ربّاه

بنعمتها پیش از سزاواری آن ای پروردگار من

يا سيداه يا غاية رغبتاه أسألك

ای آقای من ای نهایت خواهش من درخواست میکنم از تو

بك وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن و

بحق تو و بمحمد و علی و فاطمه و حسن و

الحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن

حسین و علی پسر حسین و محمد پسر

علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر

علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر

وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي

و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی

بن محمد والحسن بن علي والقائم

پسر محمد و حسن پسر علی و ایستاده

المهدي الأئمة الهادية عليهم

راه یافته پیشوایان راه نماینده بر ایشان باد

السلام أن تصلي على محمد وآل

درود آنکه رحمت کنی بر محمد و آل

محمد وأسألك أن لا تشوه خلقي

محمد و درخواست میکنم از تو آنکه بریان نسازی خلقت مرا



يا لنا النار وان تفعل بي ما انت اهله

آتش و آنکه بکنی نسبت بمن آنچه تو سزاوار آنی

دعای توسل

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللهم اني اسألك واتوجه اليك بنبيك

خداوندا بدرستیکه من درخواست میکنم از تو و روی میاورم بسوی تو با بروی پیغمبر تو

نبي الرحمة محمد صلى الله عليه وآله

پیغمبر رحمت محمد رحمت کناد خدا بر او و آل او

يا ابا القاسم يا رسول الله يا امام

ای ابوالقاسم ای فرستاده خدا ای پیشوای

الرحمة يا سيدنا ومولانا انا

رحمت ای آقای ما و خواجه ما بدرستیکه ما

توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

روی فرا کردیم ما و طلب شفاعت داریم ما و وسیله جوئیم ما

بك الى الله وقدمناك بين يدي

بتو بسوی خدا و فرا پیش میداریم ترا در پیش

حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع

حاجتهای خود ای روی شناس نزد خدا شفاعت کن

لنا عند الله يا ابا الحسن يا امير

برای ما نزد خدا ای ابو الحسن ای پادشاه

المؤمنين يا علي بن ابي طالب يا حجة

مؤمنان ای علی پسر ابوطالب ای حجت

الله على خلقه يا سيدنا ومولانا

خدا بر آفریدگان او ای آقای ما و خواجه ما

انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

بدرستیکه ما رو کردیم و شفاعت خواه شدیم و وسیله جو شدیم

بك الى الله وقدمناك بين يدي

بتو بسوی خدا و فرا پیش داشتیم ترا پیش

حاجاتنا يا وجيها عند الله اشفع لنا

حاجتهای خود ای روشناس نزد خدا شفاعت کن برای



عند الله یا فاطمة الزهراء یا بنت

نزد خدا ای فاطمه زهرا ای دختر

محمد یا قرة عین الرسول یا سیدتنا

محمد ای روشنی چشم رسول ای سیدهٔ ما

ومولاتنا انا توجهنا واستشفعنا

وصاحبهٔ اختیار ما بدرستی که ما روی کردیم وشفاعت خواستیم

وتوسلنا بک الی الله وقدمناک

ووسیله جو شدیم بتو بسوی خدا وفرا پیش داریم ترا

بین یدی حاجاتنا یا وجیهة عند

در پیش حاجتهای خود ای روشناس نزد

الله اشفعی لنا عند الله یا ابا محمد

خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابو محمد

یا حسن بن علی ایها المجتبی یا ابن

ای حسن پسر علی ای برگزیده ای پسر

رسول الله یا حجة الله علی خلقه

رسول خدا ای حجت خدا بر آفریدگان او

یا سیدنا ومولانا انا توجهنا

ای آقای ما وخواجه ما بدرستیکه ما روی کردیم

واستشفعنا وتوسلنا بک الی

وشفاعت جوییم ووسیله جوییم بتو بسوی

الله یا وجیها عند الله اشفع لنا

خدا ای روشناس نزد خدا شفاعت کن برای ما

عند الله یا حسین بن علی ایها

نزد خدا ای حسین پسر علی ای

الشهید یا ابن رسول الله یا حجة

شهید ای پسر رسول خدا ای حجت

الله علی خلقه یا سیدنا ومولانا

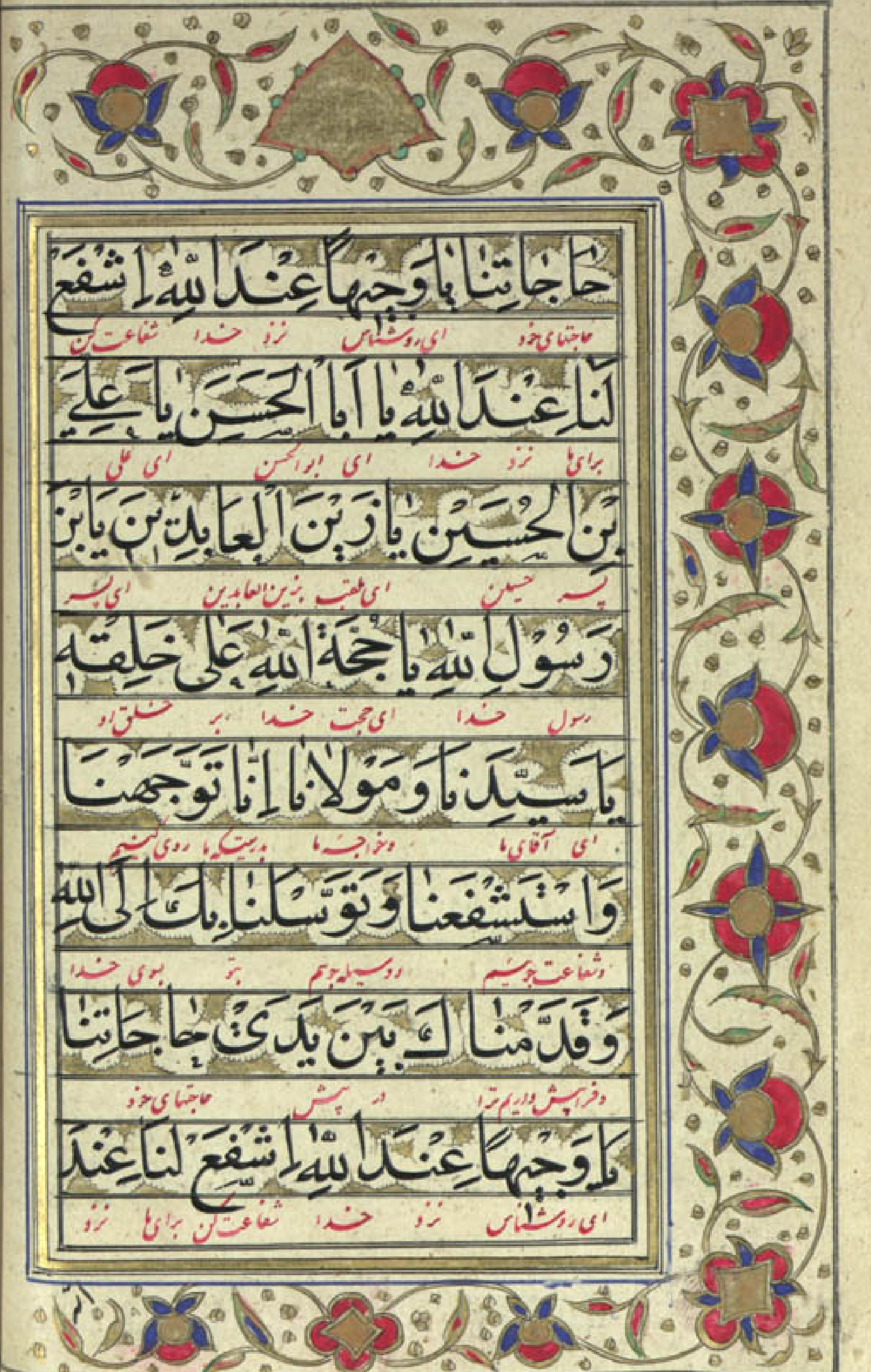
خدا بر خلق او ای آقای ما وخواجه ما

انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

بدرستیکه ما روی کردیم وشفاعت خواهیم ووسیله جوییم

بک الی الله وقدمناک بین یدی

بتو بسوی خدا وفرا پیش داریم ترا در پیش



حاجاتنا يا وجيهاً عند الله اشفع

حاجتهای خود ای روشناس نزد خدا شفاعت کن

لنا عند الله يا ابا الحسن يا علي

برای ما نزد خدا ای ابو الحسن ای علی

بن الحسين يا زين العابدين يا ابن

پسر حسین ای ملقب بزین العابدین ای پسر

رسول الله يا حجة الله على خلقه

رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او

يا سيدنا و مولانا انا توجهنا

ای آقای ما وخواجه ما بدرستیکه ما روی کردیم

واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله

وشفاعت جو شدیم ووسیله جو شدیم بتو بسوی خدا

وقدمناك بين يدي حاجاتنا

وفراپیش داریم ترا در پیش حاجتهای خود

يا وجيهاً عند الله اشفع لنا عند

ای روشناس نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد

الله يا ابا جعفر يا محمد بن علي ايها

خدا ای ابو جعفر ای محمد پسر علی ای

الباقر يا ابن رسول الله يا حجة

باقر ای پسر رسول خدا ای حجت

الله على خلقه يا سيدنا و مولانا

خدا بر خلق خود ای آقای ما وخواجه ما

انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا

بدرستیکه ما روی کردیم وشفاعت جو شدیم ووسیله جو شدیم

بك الى الله وقدمناك بين يدي

بتو بسوی خدا وفراپیش داشتیم ترا در پیش

حاجاتنا يا وجيهاً عند الله اشفع

حاجتهای خود ای روشناس نزد خدا شفاعت کن

لنا عند الله يا ابا عبد الله يا جعفر

برای ما نزد خدا ای ابو عبد الله ای جعفر

بن محمد ايها الصادق يا ابن رسول

پسر محمد ای راستگو ای پسر رسول

اللّهِ يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا

خدا ای حجت خدا بر خلق او ای آقای ما

وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا

و خواجه ما بدرستیکه ما روکردیم و شفاعت خواستیم

وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ

و وسیله جوئیم بتو بسوی خدا و فرا پیش داریم ترا

بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا يا وَجيهاً عِنْدَ

در پیش حاجتهای خود ای رو شناس نزد

اللّهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ يا اَبَا الْحَسَنِ

خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابو الحسن

يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ اَيُّهَا الْكاظِمُ

ای موسی پسر جعفر ای خشم فرو خورنده

يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ يا حُجَّةَ اللّهِ عَلى

ای پسر رسول خدا ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا

خلق او ای آقای ما و خواجه ما بدرستیکه ما

تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا

روی کردیم و شفاعت جوئیم و وسیله جوئیم

بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَيْ

بتو بسوی خدا و فرا پیش داریم ترا در پیش

حاجاتِنا يا وَجيهاً عِنْدَ اللّهِ اِشْفَعْ

حاجتهای خود ای رو شناس نزد خدا شفاعت کن

لَنا عِنْدَ اللّهِ يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ

برای ما نزد خدا ای ابو الحسن ای علی پسر

مُوسَى الرِّضا يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ يا

موسی ای رضا ای پسر رسول الله ای

حُجَّةَ اللّهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَ

حجت خدا بر خلق او ای آقای ما

مَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا

خواجه ما بدرستیکه ما روکردیم و شفاعت جوئیم

وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللّهِ وَقَدَّمْناكَ

و وسیله جوئیم بتو بسوی خدا و فرا پیش داریم ترا



بين يدي حاجاتنا يا وجيها عند
در پیش حاجتهای خود ای روشناس نزد
الله اشفع لنا عند الله يا ابا جعفر
خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابوجعفر
يا محمد بن علي ايها الجواد يا ابن
ای محمد پسر علی ای صاحب جود ای پسر
رسول الله يا حجة الله على خلقه
رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او
يا سيدنا ومولانا انا توجهنا
ای آقای ما وخواجه ما بدرستی که ما رو کردیم
واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله
وطلب شفاعت کنیم و وسیله جوئیم بتو بسوی خدا
وقدمناك بين يدي حاجاتنا
وفراپیش داریم ترا در پیش حاجتهای خود
يا وجيها عند الله اشفع لنا عند الله
ای روشناس نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا

يا ابا الحسن يا علي بن محمد ايها
ای ابو الحسن ای علی پسر محمد ای
الهادي النقي يا ابن رسول الله
راه نما پاکیزه ای پسر رسول خدا
يا حجة الله على خلقه يا سيدنا
ای حجت خدا بر خلق خود ای آقای ما
ومولانا انا توجهنا واستشفعنا
وخواجه ما بدرستی که ما روی کردیم وشفاعت خواستیم
وتوسلنا بك الى الله وقدمناك
و وسیله جوئیم بتو بسوی خدا وفراپیش داریم ترا
بين يدي حاجاتنا يا وجيها
در پیش حاجتهای خود ای روشناس
عند الله اشفع لنا عند الله يا ابا
نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای ابو
محمد يا حسن بن علي ايها
محمد ای حسن پسر علی ای



المجتبی یا ابن رسول الله یا حجة الله

برگزیده ای پسر رسول خدا ای حجت خدا

علی خلقه یا سیدنا و مولانا

بر خلق او ای آقای ما و خواجه ما

انا توجهنا و استشفعنا و توسلنا

بدرستیکه ما روی کنیم و شفاعت خواهیم و وسیله جوییم

بک الی الله و قدمناک بین یدی

بتو بسوی خدا و فرا پیش داریم ترا در پیش

حاجاتنا یا وجیها عند الله اشفع

حاجتهای خود ای روشناس نزد خدا شفاعت کن

لنا عند الله یا وصی الحسن و

برای ما نزد خدا ای وصی حسن و

الخلف الحجة ایها القائم المنتظر

باز مانده حجت ای ایستاده که چشم داشته شده

یا ابن رسول الله یا حجة الله علی خلقه

ای پسر رسول خدا ای حجت خدا بر خلق او

یا سیدنا و مولانا انا توجهنا

ای آقای ما و خواجه ما بدرستیکه ما روی کردیم

و استشفعنا و توسلنا بک الی الله

و شفاعت میخواهیم و وسیله جوییم بتو بسوی خدا

و قدمناک بین یدی حاجاتنا

و فرا پیش داریم ترا در پیش حاجتهای خود

یا وجیها عند الله اشفع لنا عند

ای روشناس نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد

الله پس حاجات مهمه خود را از خدا طلب نماید

خدا

که بر آورده میشود انشاء الله و

در روایت دیگر وارد شده

است که بعد از آن بگوید



يا سادتي يا موالي إني توجهت

ای آقایان من ای صاحب حسابداران من بدرستیکه من روی کردم

بكم أئمتي وعدتي ليوم فقري و

بشما پیشوایان من ومهیا وآماده برای بیچارگی روز احتیاجی من

حاجتي إلى الله وتوسلت بكم

نیازمندی من بسوی خدا و وسیله جویم بشما

إلى الله واستشفعت بكم إلى الله

بسوی خدا وشفاعت میجویم بواسطه شما بسوی خدا

فاشفعوا لي عند الله واستنقذوني

پس شفاعت کنید برای من نزد خدا و برهانید مرا

من ذنوبي عند الله فإنكم وسيلتي

از گناهان من نزد خدا پس بدرستیکه شما وسیله امید

إلى الله وبحبكم وبقربكم أرجوا

بسوی خدا وبدوستی شما وبتقرب بشما امید وارم

نجاة من الله فكونوا عند الله

نجات را از خدا پس باشید نزد خدا

رجائي يا سادتي يا أولياء الله

امید من ای آقایان من ای دوستان خدا

صلى الله عليهم أجمعين ولعن الله

رحمت کناد خدا بر شما جمله ولعنت کناد خدا

أعداء الله ظالميهم من الأولين و

دشمنان شمارا وستمکاران شمارا از پیشینیان و

الآخرين آمين رب العالمين

بازپسینیان مستجاب کن ای پروردگار عالمیان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يس ۝ والقرآن الحكيم ۝ إنك

ای سید المرسلین سوگند بقرآن درست محکم بدرستیکه تو

لمن المرسلين ۝ على صراط مستقيم

هرآینه از جمله فرستادگانی بر راهی راست



تنزيل العزيز الرحيم ۞ لتنذر
فرستاده از غالب مهربان تا بیم کنی
قوما ما انذر اباؤهم فهم غافلون
گروهی را آنچه بیم کرده نشد پدران ایشان پس ایشان نادانانند
لقد حق القول على اكثرهم فهم لا
هر آینه بتحقیق که واجب شد گفتار عذاب بر بیشتر ایشان پس ایشان
يؤمنون ۞ انا جعلنا في اعناقهم
نمی‌گروند بدرستیکه ما کردیم در گردنهای ایشان
اغلالا فهي الى الاذقان فهم
غلها پس آن تا زنخها بود پس ایشان
مقمحون ۞ وجعلنا من بين ايديهم
سر برفراشته و چشم فرو خوابانیدگانند و کردیم ما از پیش ایشان
سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
سدی واز پس ایشان سدی پس در پوشیدیم ایشان را
فهم لا يبصرون ۞ وسواء عليهم
پس ایشان نمی‌بینند ویکسان بود بر ایشان

ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون
خواه بیم کنی ایشان را یا بیم نکنی ایشان را نمی‌گروند
انما تنذر من اتبع الذكر وخشي
بدرستیکه بیم کنی آنرا که پیروی کرد قرآن را و ترسید
الرحمن بالغيب فبشره بمغفرة و
از خدای بخشاینده بناپیدا پس بشارت ده او را بآمرزش و
اجر كريم ۞ انا نحن نحيي الموتى
مزدی نیکو بدرستیکه ما خود زنده سازیم مردگان را
ونكتب ما قدموا واثارهم وكل
و می‌نویسیم آنچه فرستادند و اثرهای ایشان را و هر
شيء احصيناه في امام مبين و
چیز را برشمردیم آنرا در کتاب روشن یعنی لوح محفوظ و
اضرب لهم مثلا اصحاب القرية
بزن برای ایشان مثل اصحاب دیه انطاکیه را
اذ جاءها المرسلون ۞ اذ ارسلنا
چون آمدند آنرا فرستاده‌شدگان چون فرستادیم



إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا
بدیشان دو نفر یعنی ... پس دروغ داشتند آنها را پس قوت دادیم ما

بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ
بسیمی یعنی شمعون پس گفتند بدرستیکه ما بسوی شما فرستادگانیم

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا
گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و

أَنْزَلَ الرَّحْمَٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ
فرو نفرستاده خدای بخشاینده هیچ چیزی نیستید شما مگر دروغ میگوئید

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ
گفتند پروردگار ما میداند که بدرستیکه ما بسوی شما هر آینه فرستادگانیم

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
و نبود بر ما مگر رسانیدن روشن

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا
گفتند بدرستیکه ما فال بد زدیم بشما هر آینه اگر باز نایستید

لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ
هر آینه سنگسار کنیم شما را و هر آینه برسد شما را از ما عذابی

أَلِيمٌ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ
دردناک گفتند شوم فال بد شما باشماست آیا اگر پند داده شوید

بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ وَجَاءَ مِنْ
بلکه شما گروهی اسراف کارهید و آمد از

أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ
بالای شهر مردی میشتافت گفت

يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ اتَّبِعُوا
ای قوم من پیروی کنید فرستادگان را پیروی کنید

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ
آنرا که نخواهد از شما مزدی و ایشان راه یافتگانند

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَ
و چیست مرا که نپرستم آنخدائی را که آفریده مرا و

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُو
بسوی او بازگردانیده شوید آیا فرا گیرم از جز او

نِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَا
خدایانی که اگر خواهد خدای بخشاینده را زیانی



تغن عني شفاعتهم شيئا ولا ينقذون

نه بکار آید ازمن شفاعت ایشان چیزی و نه برهانند مرا

إني آمنت بربكم فاسمعون ۝ قيل

درستیکه من بگرویدم بپروردگار شما پس بشنوید از من گفته شد

ادخل الجنة قال يا ليت قومي

در رو بهشت را گفت ای کاشکی قوم من

يعلمون ۝ بما غفر لي ربي وجعلني

دانا شدندی بآنچه بیامرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا

من المكرمين ۝ وما أنزلنا

از گرامی شدگان و نفرستادیم

على قومه من بعده من جند

بر قوم او از پس او هیچ لشکری

من السماء وما كنا منزلين ۝ إن

از آسمان و نباشیم جز فرو فرستندگان نباشد

كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم

نباشد عذاب هلاک مگر یک صیحه پس ناگاه ایشان

يا حسرة على العباد ما يأتيهم من

رسول إلا كانوا به يستهزءون ۝

ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من

القرون أنهم إليهم لا يرجعون

وإن كل لما جميع لدينا محضرون

وآية لهم الأرض الميتة أحييناها

وأخرجنا منها حبا فمنه يأكلون

وجعلنا فيها جنات من نخيل



وأعناب وفجرنا فيها من العيون
ليأكلوا من ثمره وما عملته أيديهم
أفلا يشكرون ۝ سبحان الذي
خلق الأزواج كلها مما تنبت
الأرض ومن أنفسهم ومما لا
يعلمون ۝ وآية لهم الليل نسلخ
منه النهار فإذا هم مظلمون ۝ و
الشمس تجري لمستقر لها ذلك

تقدير العزيز العليم ۝ والقمر
قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون
القديم ۝ لا الشمس ينبغي لها
أن تدرك القمر ولا الليل سابق
النهار وكل في فلك يسبحون
وآية لهم أنا حملنا ذريتهم في
الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم
من مثله ما يركبون ۝ وإن نشأ



نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم
ينقذون ۝ الا رحمة منا ومتاعا
الى حين ۝ واذا قيل لهم اتقوا ما
بين ايديكم وما خلفكم لعلكم
ترحمون ۝ واذا قيل لهم انفقوا
مما رزقكم الله قال الذين كفروا
للذين امنوا انطعم من لو يشاء الله
اطعمه ان انتم الا في ضلال مبين

ويقولون متى هذا الوعد ان
كنتم صادقين ۝ ما ينظرون الا
صيحة واحدة تاخذهم وهم
يخصمون ۝ فلا يستطيعون توصية
ولا الى اهلهم يرجعون ۝ ونفخ
في الصور فاذا هم من الاجداث الى
ربهم ينسلون ۝ قالوا يا ويلنا
من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد



الرحمن وصدق المرسلون ۝ إن
كانت إلا صيحة واحدة فإذا هم
جميع لدينا محضرون ۝ فاليوم لا
تظلم نفس شيئا ولا تجزون إلا
ما كنتم تعملون ۝ إن أصحاب الجنة
اليوم في شغل فاكهون ۝ هم و
أزواجهم في ظلال على الأرائك
متكئون ۝ لهم فاكهة ولهم ما

يدعون سلام قولا من رب رحيم
وامتازوا اليوم أيها المجرمون ۝
ألم أعهد إليكم يا بني آدم أن لا
تعبدوا الشيطان إنه لكم عدو
مبين ۝ وأن اعبدوني هذا
صراط مستقيم ۝ ولقد أضل
منكم جبلا كثيرا أفلم تكونوا
تعقلون ۝ هذه جهنم التي كنتم



توعدون ۞ اصلوها اليوم بما
كنتم تكفرون ۞ اليوم نختم على
افواههم وتكلمنا ايديهم و
تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون
ولو نشاء لطمسنا على اعينهم
فاستبقوا الصراط فانى يبصرون
ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم
فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون

ومن نعمره ننكسه في الخلق افلا
يعقلون ۞ وما علمناه الشعر و
ما ينبغي له ان هو الا ذكر وقران
مبين ۞ لينذر من كان حيا
ويحق القول على الكافرين ۞ اولم
يروا انا خلقنا لهم مما عملت ايدينا
انعاما فهم لها مالكون ۞ وذللنا
لهم فمنها ركوبهم ومنها ياكلون



ولهم فيها منافع ومشارب أفلا يشكرون
واتخذوا من دون الله آلهة لعلهم
ينصرون ۝ لا يستطيعون نصرهم
وهم لهم جند محضرون ۝ ولا
يحزنك قولهم إنا نعلم ما يسرون
وما يعلنون ۝ أولم ير الإنسان
أنا خلقناه من نطفة فإذا هو خصيم
مبين ۝ وضرب لنا مثلا ونسي

خلقه قال من يحيي العظام وهي
رميم ۝ قل يحييها الذي أنشأها
أول مرة وهو بكل خلق عليم ۝ الذي
جعل لكم من الشجر الأخضر نارا
فإذا أنتم منه توقدون ۝ أوليس
الذي خلق السموات والأرض
بقادر على أن يخلق مثلهم بلى و
هو الخلاق العليم ۝ إنما أمره إذا



أراد شيئا أن يقول له كن فيكون
فسبحان الذي بيده ملكوت كل
شيء وإليه ترجعون

اربعون آية
سورة النبأ

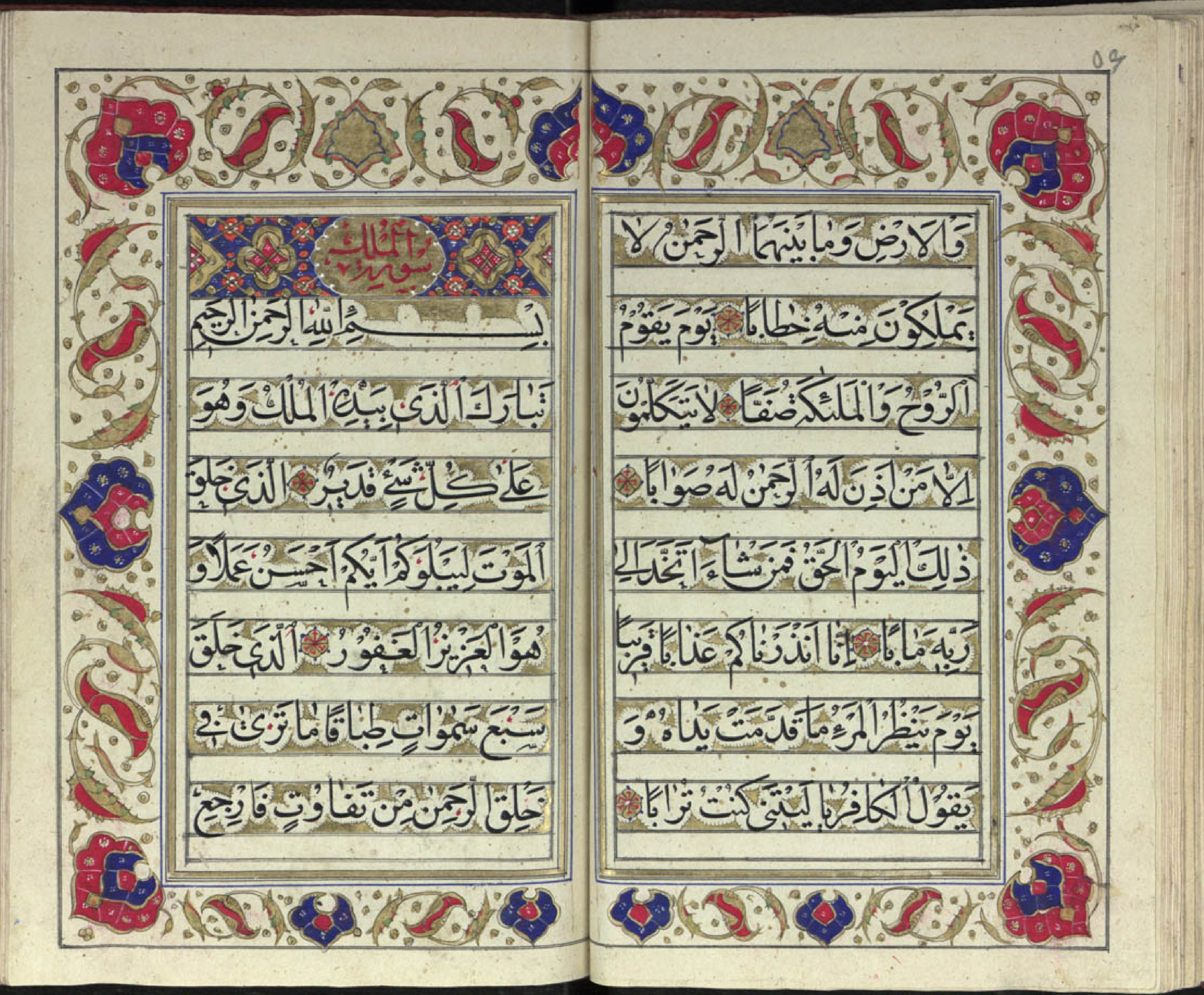
بسم الله الرحمن الرحيم
عم يتساءلون عن النبإ العظيم
الذي هم فيه مختلفون كلا
سيعلمون ثم كلا سيعلمون

ألم نجعل الأرض مهادا والجبال
أوتادا وخلقناكم أزواجا و
جعلنا نومكم سباتا وجعلنا
الليل لباسا وجعلنا النهار
معاشا وبنينا فوقكم سبعا
شدادا وجعلنا سراجا وهاجا
وأنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا
لنخرج به حبا ونباتا وجنات



الفافا ۝ ان يوم الفصل كان
ميقاتا ۝ يوم ينفخ في الصور فتاتون
افواجا ۝ وفتحت السماء فكانت
ابوابا ۝ وسيرت الجبال فكانت
سرابا ۝ ان جهنم كانت مرصادا
للطاغين مابا ۝ لابثين فيها احقابا
لا يذوقون فيها بردا ولا شرابا ۝
الا حميما وغساقا ۝ جزاء وفاقا

انهم كانوا لا يرجون حسابا ۝ و
كذبوا باياتنا كذابا ۝ وكل
شيء احصيناه كتابا ۝ فذوقوا فلن
نزيدكم الا عذابا ۝ ان للمتقين
مفازا ۝ حدائق واعنابا ۝ وكواعب
اترابا ۝ وكاسا دهاقا ۝ لا يسمعون
فيها لغوا ولا كذابا ۝ جزاء من ربك
عطاء حسابا ۝ رب السموات و



والارض وما بينهما الرحمن لا
يملكون منه خطابا ۝ يوم يقوم
الروح والملئكة صفا ۝ لا يتكلمون
الا من اذن له الرحمن له صوابا ۝
ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى
ربه مابا ۝ انا انذرناكم عذابا قريبا
يوم ينظر المرء ما قدمت يداه و
يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا ۝

سورة الملك

بسم الله الرحمن الرحيم
تبارك الذي بيده الملك وهو
على كل شيء قدير ۝ الذي خلق
الموت ليبلوكم ايكم احسن عملا و
هو العزيز الغفور ۝ الذي خلق
سبع سموات طباقا ما ترى في
خلق الرحمن من تفاوت فارجع



الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ۝ ثُمَّ
ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ
الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝ وَلَقَدْ
زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَا
هَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا
لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ۝ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا
بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا

وَهِيَ تَفُورُ ۝ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ
كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا
أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ۝ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا
نَذِيرٌ ۝ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ
مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ
وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا
فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ
فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ



يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۞ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا
بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۞ أَلَا
يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ
هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا
فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ
وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۞ ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي
السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا

هِيَ تَمُورُ ۞ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ
أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ
كَيْفَ نَذِيرِ ۞ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۞ أَوَلَمْ يَرَوْا
إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ
مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَٰنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
بَصِيرٌ ۞ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ
لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ إِنِ



الكافرون الا في غرور ۞ امن هذا
الذي يرزقكم ان امسك رزقه بل
لجوا في عتو ونفور ۞ افمن يمشي
مكبا على وجهه اهدى امن يمشي سويا على
صراط مستقيم ۞ قل هو الذي
انشاكم وجعل لكم السمع والابصار
والافئدة قليلا ما تشكرون ۞ قل
هو الذي ذراكم في الارض واليه

تحشرون ۞ ويقولون متى هذا
الوعد ان كنتم صادقين ۞ قل انما
العلم عند الله وانما انا نذير مبين
فلما راوه زلفة سيئت وجوه الذين
كفروا وقيل هذا الذي كنتم به
تدعون ۞ قل ارايتم ان اهلكني الله
ومن معي او رحمنا فمن يجير الكافرين
من عذاب اليم ۞ قل هو الرحمن



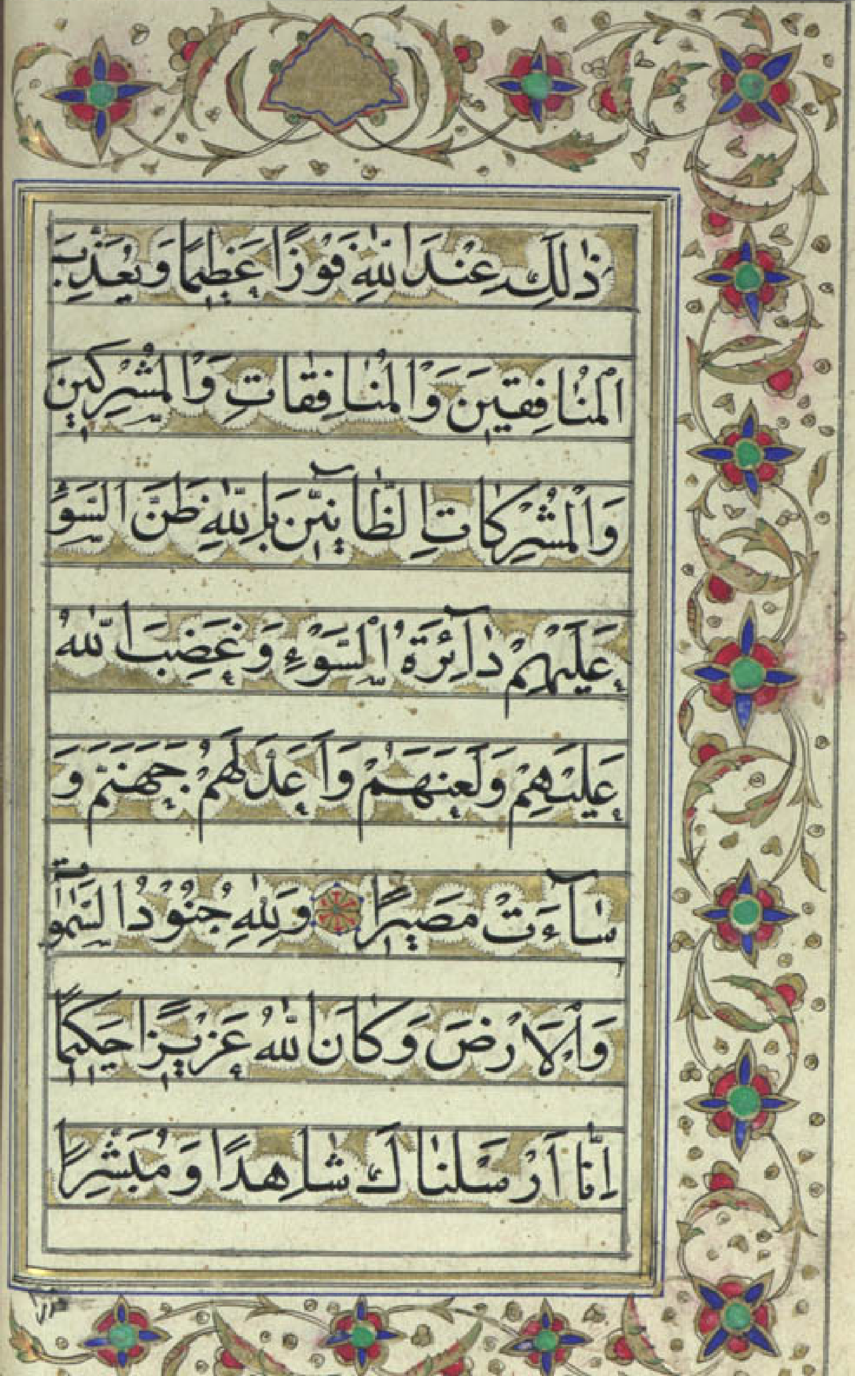
آمنا به توكلنا فستعلمون من هو في
ضلال مبين ۞ قل أرأيتم إن أصبح
ماؤكم غورا فمن يأتيكم بماء معين ۞

سورة الفتح

۞

إنا فتحنا لك فتحا مبينا ۞ ليغفر لك
الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر
ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا

مستقيما ۞ وينصرك الله نصرا
عزيزا ۞ هو الذي أنزل السكينة
في قلوب المؤمنين ۞ ليزدادوا
إيمانا مع إيمانهم ولله جنود السماوات
والأرض وكان الله عليما حكيما ۞
ليدخل المؤمنين والمؤمنات جنات
تجري من تحتها الأنهار خالدين
فيها ويكفر عنهم سيئاتهم وكان



ذٰلِكَ عِندَ اللّٰهِ فَوۡزًا عَظِيمًا وَيُعَذِّبَ
الۡمُنَافِقِينَ وَالۡمُنَافِقَاتِ وَالۡمُشۡرِكِينَ
وَالۡمُشۡرِكَاتِ الظَّآنِّينَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوۡءِ
عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ السَّوۡءِ وَغَضِبَ اللّٰهُ
عَلَيۡهِمۡ وَلَعَنَهُمۡ وَاَعَدَّ لَهُمۡ جَهَنَّمَ وَ
سَآءَتۡ مَصِيرًا ۞ وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ
وَالۡاَرۡضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
اِنَّآ اَرۡسَلۡنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا

وَنَذِيرًا ۞ لِتُؤۡمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهٖ
وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةً
وَاَصِيلًا ۞ اِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ
اِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللّٰهَ يَدُ اللّٰهِ فَوۡقَ اَيۡدِيهِمۡ
فَمَن نَّكَثَ فَاِنَّمَا يَنۡكُثُ عَلٰى نَفۡسِهٖ وَ
مَنۡ اَوۡفٰى بِمَا عَاهَدَ عَلَيۡهُ اللّٰهَ فَسَيُؤۡتِيهِ
اَجۡرًا عَظِيمًا ۞ سَيَقُولُ لَكَ الۡمُخَلَّفُونَ
مِنَ الۡاَعۡرَابِ شَغَلَتۡنَآ اَمۡوَالُنَا وَ



وَاَهلُونَا وَاستَغفِر لَنَا يَقُولُونَ ۝
بِاَلسِنَتِهِم مَا لَيسَ فِي قُلُوبِهِم قُل فَمَن
يَملِكُ لَكُم مِنَ اللهِ شَيئًا اِن اَرَادَ بِكُم
ضَرًّا اَو اَرَادَ بِكُم نَفعًا بَل كَانَ اللهُ
بِمَا تَعمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَل ظَنَنتُم اَن
لَن يَنقَلِبَ الرَسُولُ وَالمُؤمِنُونَ اِلَى
اَهلِيهِم اَبَدًا وَزُيِّنَ ذٰلِكَ فِي قُلُوبِكُم
وَظَنَنتُم ظَنَّ السَوءِ وَكُنتُم قَومًا

بُورًا ۝ وَمَن لَم يُؤمِن بِاللهِ وَرَسُولِهِ
فَاِنَّا اَعتَدنَا لِلكَافِرِينَ سَعِيرًا ۝ وَلِلّٰهِ
مُلكُ السَمٰوَاتِ وَالاَرضِ يَغفِرُ لِمَن
يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللهُ
غَفُورًا رَحِيمًا ۝ سَيَقُولُ المُخَلَّفُونَ
اِذَا انطَلَقتُم اِلَى مَغَانِمَ لِتَاخُذُوهَا
ذَرُونَا نَتَّبِعكُم يُرِيدُونَ اَن يُبَدِّلُوا
كَلَامَ اللهِ قُل لَن تَتَّبِعُونَا كَذٰلِكُم قَالَ



الله من قبل فسيقولون بل تحسدوننا
بل كانوا لا يفقهون إلا قليلا ۞ قل
للمخلفين من الأعراب ستدعون
إلى قوم أولي بأس شديد تقاتلونهم
أو يسلمون ۞ فإن تطيعوا يؤتكم
الله أجرا حسنا ۞ وإن تتولوا كما توليتم
من قبل يعذبكم عذابا أليما ۞ ليس
على الأعمى حرج ولا على الأعرج

حرج ولا على المريض حرج ومن يطع
الله ورسوله يدخله جنات تجري
من تحتها الأنهار ومن يتول يعذبه
عذابا أليما ۞ لقد رضي الله عن
المؤمنين إذ يبايعونك تحت الشجرة
فعلم ما في قلوبهم فأنزل السكينة
عليهم وأثابهم فتحا قريبا ۞ ومغانم
كثيرة يأخذونها وكان الله عزيزا حكيما



وعدكم الله مغانم كثيرة تأخذونها
فعجل لكم هذه وكف أيدي الناس
عنكم ولتكون آية للمؤمنين و
يهديكم صراطا مستقيما وأخرى
لم تقدروا عليها قد أحاط الله بها
وكان الله على كل شيء قديرا ولو
قاتلكم الذين كفروا لولوا الأدبار
ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا

سنة الله التي قد خلت من قبل و
لن تجد لسنة الله تبديلا وهو
الذي كف أيديهم عنكم وأيديكم
عنهم ببطن مكة من بعد أن أظفركم
عليهم وكان الله بما تعملون بصيرا
هم الذين كفروا وصدوكم عن
المسجد الحرام والهدي معكوفا
أن يبلغ محله ولولا رجال مؤمنون



وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ
تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ
عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ
لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
عَذَابًا أَلِيمًا ۝ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ فِي
قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ

التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا
وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ لَقَدْ
صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ
لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ
آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ
لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ
مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ۝
هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى



ودين الحق ليظهره على الدين
كله وكفى بالله شهيدا ۝ محمد
رسول الله والذين معه اشداء
على الكفار رحماء بينهم تريهم
ركعا سجدا يبتغون فضلا من
الله ورضوانا سيماهم في وجوههم
من اثر السجود ذلك مثلهم في
التورية ومثلهم في الانجيل

كزرع اخرج شطاه فآزره فاستغلظ
فاستوى على سوقه يعجب الزراع
ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين
امنوا وعملوا الصالحات منهم
مغفرة واجرا عظيما ۝

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسئلك باسمك بسم



الله الرحمن الرحيم يا ذا الجلال و
الاكرام يا حي يا قيوم لا اله الا
انت يا هو يا من لا يعلم ما هو ولا
كيف هو ولا اين هو ولا حيث هو
يا ذا الملك والملكوت يا ذا العزة
والجبروت يا ملك يا قدوس يا
سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ

يا مصور يا مفيد يا مدبر يا شديد
يا ودود يا محمود يا معبود يا بعيد
يا قريب يا مجيب يا رقيب يا حسيب
يا بديع يا رفيع يا منيع يا سميع يا عليم
يا حليم يا كريم يا حكيم يا قديم يا علي
يا عظيم يا حنان يا منان يا ديان
يا مستعان يا جليل يا جميل يا
وكيل يا كفيل يا مقيل يا منيل يا



نبيل يا دليل يا هادي يا بادي
يا اول يا اخر يا ظاهر يا باطن يا قائم
يا دائم يا عالم يا حاكم يا قاضي يا عادل
يا فاصل يا واصل يا طاهر يا مطهر
يا قادر يا مقتدر يا كبير يا متكبر
يا واحد يا احد يا صمد يا من لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
ولم يكن له صاحبة ولا ولد

ولا كان معه وزير ولا اتخذ معه
مشير ولا احتاج الى ظهير ولا
كان معه من اله غيره لا اله الا
انت فتعاليت عما يقول الظالمون
علوا كبيرا يا علي يا شامخ يا باذخ
يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا مفرج
يا ناصر يا منتصر يا مدرك يا مهلك
يا منتقم يا باعث يا وارث يا اول



يا آخر يا طالب يا غالب يا من لا يفوته
هارب يا رب يا آواب يا وهاب
يا مسبب الأسباب يا مفتح الأبواب
يا من حيث ما دعي أجاب يا طهور
يا شكور يا عفو يا غفور يا نور النور
يا مدبر الأمور يا لطيف يا خبير
يا مجير يا مبير يا مستجير يا منير يا
بصير يا ظهير يا كبير يا وتر يا

يا فرد يا أبد يا سند يا صمد يا
كافي يا شافي يا وافي يا معافي
يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا متفضل يا متكرم يا متفرد يا من
علا فقهر يا من ملك فقدر يا
من بطن فخبر يا من عبد فشكر
يا من عصي فغفر وستر يا من لا
تحويه الفكر ولا يدركه بصر ولا



يخفى عليه أثر يا رازق البشر يا
مقدر كل قدر يا عالي المكان يا
شديد الأركان يا مبدل الزمان
يا قابل القربان يا ذا المن و
الأحسان يا ذا العز والسلطان
يا رحيم يا رحمن يا عظيم الشان يا
من هو بكل مكان يا سامع الأصوات
يا مجيب الدعوات يا منجح الطلبات

يا قاضي الحاجات يا منزل البركات
يا راحم العبرات يا مقيل
العثرات يا كاشف الكربات
يا ولي الحسنات يا رافع الدرجات
يا معطي السؤلات يا محيي الأموات
يا جامع الشتات يا مطلع على
النيات يا راد ما قد فات يا من
لا تشتبه عليه الأصوات يا من



لا تضجره المسئلات ولا تغشاه

الظلمات يا نور الأرض والسموات

يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ

النسم يا جامع الأمم يا شافي

السقم يا خالق النور والظلم يا ذا

الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه

قدم يا أجود الأجودين يا أكرم

الأكرمين يا أسمع السامعين يا

أبصر

أبصر الناظرين يا جار المستجيرين

يا أمان الخائفين يا ظهر اللاجين

يا ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين

يا غاية الطالبين يا صاحب كل

غريب يا مونس كل وحيد يا ملجأ

كل طريد يا مأوى كل شريد يا حافظ

كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير يا

رازق الطفل الصغير يا جابر



العظيم الكبير يا فاك كل أسير

يا مغني البائس الفقير يا عصمة

الخائف المستجير يا من له التدبير

والتقدير يا من العسير عليه

سهل يسير يا من لا يحتاج إلى

تفسير يا من هو على كل شيء قدير

يا من هو بكل شيء بصير يا مرسل

الرياح يا فالق الإصباح يا باعث

الأرواح يا ذا الجود والسماح

يا من بيده كل مفتاح يا سامع

كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي

كل نفس بعد الموت يا عدتي في

شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي

في وحدتي يا وليي في نعمتي يا كهفي

حين تعييني المذاهب وتسلمني

الأقارب ويخذلني كل صاحب يا



عماد من لا عماد له يا سند من
لا سند له يا ذخر من لا ذخر له
يا حرز من لا حرز له يا كهف من
لا كهف له يا كنز من لا كنز له يا
ركن من لا ركن له يا غياث من
لا غياث له يا جار من لا جار له
يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق
يا الهي بالتحقيق يا رب البيت

العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من
حلق المضيق واصرف عني كل هم
وضيق واكفني شر ما لا اطيق يا
راد يوسف على يعقوب يا كاشف
ضر ايوب يا غافر ذنب داود يا
رافع عيسى بن مريم ومنجيه
من ايدي اليهود يا مجيب نداء
يونس في الظلمات يا مصطفى



موسى بالكلمات يا من غفر
لادم خطيئته ورفع ادريس
مكانا عليا برحمته يا من نجى
نوحا من الغرق يا من اهلك
عادا الاولى وثمود فما ابقى و
قوم نوح من قبل انهم كانوا هم
اظلم واطغى والمؤتفكة اهوى يا
من دمر على قوم لوط ودمدم

على قوم شعيب يا من اتخذ ابرهيم
خليلا يا من اتخذ موسى كليما يا
من اتخذ محمدا صلى الله عليه
واله وعليهم اجمعين حبيبا
يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب
لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من
بعده يا من نصر ذا القرنين على
الملوك الجبابرة يا من اعطى



الخضر الحيوة و رد ليوشع بن نون
نور الشمس بعد غروبها يا من
ربط على قلب ام موسى واحصن
فرج مريم بنت عمران يا من حصن
يحيى بن زكريا من الذنب و
سكن عن موسى الغضب يا من بشر
زكريا بيحيى يا من فدا اسمعيل من
الذبح بذبح عظيم يا من قبل قربان

هابيل وجعل اللعنة على قابيل
يا هازم الاحزاب لمحمد صلى الله
عليه واله صل على محمد وال
محمد وعلى جميع المرسلين و
ملئكتك المقربين واهل طاعتك
اجمعين واسئلك بكل مسئلة
سئلك بها احد ممن رضيت
عنه فحتمت له على الاجابة



يا الله يا الله يا الله يا رحيم يا رحيم
يا رحيم يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا
ذا الجلال والاكرام يا ذا الجلال
والاكرام يا ذا الجلال والاكرام
به به به به به به به اسئلك بكل
اسم سميت به نفسك او انزلته
في شيء من كتبك او استاثرت به
في علم الغيب عندك وبما قد

العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك وبما لو ان ما في الارض
من شجرة اقلام والبحر يمده
من بعده سبعة ابحر ما نفدت
كلمات الله ان الله عزيز حكيم
واسئلك باسمائك الحسنى التي
نعتها في كتابك فقلت ولله الاسماء
الحسنى فادعوه وقلت ادعوني



استجب لكم وقلت واذا سئلك
عبادي عني فاني قريب اجيب
دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي
وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون
وقلت يا عبادي الذين اسرفوا
على انفسهم لا تقنطوا من رحمة
الله ان الله لا يغفر الذنوب جميعا
انه هو الغفور الرحيم وانا اسئلك

يا الهي وادعوك يا رب وارجوك
يا سيدي واطمع في اجابتي يا
مولاي كما وعدتني وقد دعوتك
كما امرتني فافعل بي ما انت اهله
يا كريم والحمد لله رب العالمين
وصلى الله على محمد وآله اجمعين

[illegible] ليلة المبعث

بسم الله الرحمن الرحيم



أصبحت اللهم معتصماً بذمامك
المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول
من شر كل غاشم وطارق من
سائر من خلقت وما خلقت من
خلقك الصامت والناطق في
جنة من كل مخوف بلباس
سابغة حصينة ولاء أهل
بيت نبيك عليهم السلام محتجباً

من كل قاصد لي إلى أذية بجدار
حصين الإخلاص في الاعتراف
بحقهم والتمسك بحبلهم موقناً
أن الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم
أوالي من والوا وأعادي من عادوا
وأجانب من جانبوا فصل على محمد
وآله وأعذني اللهم بهم من شر كل ما أتقيه
يا عظيم حجزت الأعادي عني ببديع



السموات والارض انا جعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم
سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

زيارت عاشورا امام حسين

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام
عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
يا ابن امير المؤمنين وابن سيد الوصيين
السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء

سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور
السلام عليك وعلى الارواح التي
حلت بفنائك عليكم مني جميعا
سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل
والنهار يا ابا عبد الله لقد عظمت
الرزية وجلت المصيبة بك علينا
وعلى جميع اهل الاسلام وجلت و



عظمت مصيبتك في السموات على
جميع اهل السموات فلعن الله امة
اسست اساس الظلم والجور عليكم
اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم
عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم
التي رتبكم الله فيها ولعن الله امة
قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم
بالتمكين من قتالكم برئت الى الله و

اليكم منهم ومن اشياعهم و
اتباعهم واوليائهم يا ابا عبد الله
اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن
حاربكم الى يوم القيمة ولعن
الله آل زياد وآل مروان ولعن الله
بني امية قاطبة ولعن الله بن مرجانة
ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله شمرا
ولعن الله امة اسرجت والجمت و



تنقبت وتهيأت لقتالك بأبي أنت

وأمي يا أبا عبد الله لقد عظم مصابي

بك فأسئل الله الذي أكرم مقامك

وأكرمني بك أن يرزقني طلب ثارك

مع إمام منصور من أهل بيت محمد

صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني

عندك وجيها بالحسين عليه

السلام في الدنيا والآخرة يا أبا عبد

إني أتقرب إلى الله وإلى رسوله و

إلى أمير المؤمنين وإلى فاطمة و

إلى الحسن وإليك بموالاتك و

بالبراءة ممن قاتلك ونصب لك

الحرب وبالبراءة ممن أسس أساس

الظلم والجور عليكم وأبرء إلى الله

وإلى رسوله ممن أسس أساس ذلك

وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه



وجورٍ عليكم وعلى اشياعكم و
اتباعكم برئت الى الله واليكم منهم
واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم
وموالات وليكم وبالبراءة من اعدائكم
والناصبين لكم الحرب وبالبراءة
من اشياعهم واتباعهم انّي سلمٌ
لمن سالمكم وحربٌ لمن حاربكم و
وليٌّ لمن والاكم وعدوٌّ لمن عاداكم

فاسئل الله الذي اكرمني بمعرفتكم
ومعرفة اوليائكم ورزقني البراءة
من اعدائكم ان يجعلني معكم في
الدنيا والآخرة وان يثبت لي
عندكم قدم صدقٍ في الدنيا و
الآخرة واسئله ان يبلغني المقام
المحمود لكم عند الله وان يرزقني
طلب ثاري مع امامٍ مهديٍّ ظاهرٍ



ناطق منكم وأسئل الله بحقكم و
بالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني
بمصابي بكم افضل ما يعطي مصابا
بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم
رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل
السموات والارض اللهم اجعلني
في مقامي هذا ممن تناله منك
صلوات ورحمة ومغفرة اللهم

اجعل محياي محيا محمد وال محمد
ومماتي ممات محمد وال محمد
اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو
امية ودر غير عاشورا بگويد اللهم
ان قتل الحسين يوم تبركت به بنو
امية وابن اكلة الاكباد اللعين
ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك
صلى الله عليه وآله في كل موطن



وموقف وقفه بنبيك صلى
الله عليه وآله اللهم العن أبا
سفيان ومعاوية بن أبي سفيان
ويزيد بن معاوية عليهم منك
اللعنة أبد الآبدين وهذا يوم
فرحت به آل زياد وآل مروان
بقتلهم الحسين صلوات الله وسلامه
عليه اللهم ضاعف عليهم اللعن

منك والعذاب اللهم إني أتقرب
إليك في هذا اليوم وفي موقفي
هذا وأيام حياتي بالبراءة منهم
واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك
وآل نبيك عليهم السلام پس صد
مرتبه بگو اللهم العن أول ظالم ظلم
حق محمد وآل محمد وآخر تابع له
على ذلك اللهم العن العصابة



التي جاهدت الحسين و شايعت

و بايعت و تابعت على قتله اللهم

العنهم جميعا **پس صد مرتبه بگو**

السلام عليك يا ابا عبد الله و

على الارواح التي حلت بفنائك

عليك مني سلام الله ابدا ما بقيت و

بقي الليل و النهار و لا جعله الله

اخر العهد مني لزيارتك السلام

على الحسين و على علي بن الحسين

و على اصحاب الحسين **پس بگو** اللهم

خص انت اول ظالم باللعن مني

و ابدء به اولا ثم الثاني ثم الثالث

ثم الرابع اللهم العن يزيد بن

معاوية خامسا و العن عبيد الله

بن زياد و ابن مرجانة و عمر بن سعد

و شمرا و آل ابي سفيان و آل زياد



وآل مروان إلى يوم القيمة پس بسجده رود

اللهم لك الحمد حمد الشاكرين

لك على مصابهم الحمد لله على عظيم

رزيتي اللهم ارزقني شفاعة

الحسين عليه السلام يوم الورود

وثبت لي قدم صدق عندك

مع الحسين وأصحاب الحسين

الذين بذلوا مهجهم دون

الحسين عليه السلام پس دو ركعت

نماز زيارت بگذارد و دعای علقمه بخواند يا الله يا الله

يا الله يا مجيب دعوة المضطرين

ويا كاشف كرب المكروبين و

يا غياث المستغيثين ويا صريخ

المستصرخين ويا من هو الى من

حبل الوريد ويا من يحول بين

المرء وقلبه ويا من هو بالمنظر



الاعلى و يا لا فوق المبين و يا من
هو الرحمن الرحيم على العرش استوى
و يا من يعلم خائنة الاعين و ما
تخفي الصدور و يا من لا يخفى
عليه خافية و يا من لا تشتبه
عليه الاصوات و يا من لا تغلطه
الحاجات و يا من لا يبرمه الحاح
الملحين يا مدرك كل فوت و يا جامع

كل شمل و يا بارئ النفوس بعد
الموت و يا من هو بكل يوم في شأن
يا قاضي الحاجات و يا منفس الكربات
يا معطي السؤلات يا ولي الرغبات
يا كافي المهمات يا من يكفي من
كل شيء و لا يكفي من كل شيء و لا
يكفي منه شيء في السموات والارض
اسئلك بحق محمد و علي و



فاطمة بنت نبيك و بحق الحسن
والحسين فاني بهم اتوجه اليك
في مقامي هذا و بهم اتوسل و
بهم اتشفع اليك و بحقهم نسألك
و اقسم و اعزم عليك و بالشان
الذي لهم عندك و بالذي فضلتهم
على العالمين و باسمك الذي جعلته
عندهم و به خصصتهم دون

العالمين

العالمين و به ابنتهم و ابنت فضلهم
من فضل العالمين حتى فاق فضلهم
فضل العالمين جميعا ان تصلي
على محمد و آل محمد و ان تكشف
عني غمي و همي و كربي و تكفيني
المهم من اموري و تقضي ديني و
تجيرني من الفقر و تجيرني من
الفاقة و تغنيني عن المسألة



إلى المخلوقين وتكفيني هم من أخاف
همه وعسر من أخاف عسره
وحزونة من أخاف حزونته و
شر من أخاف شره ومكر من
أخاف مكره وبغي من أخاف بغيه
وجور من أخاف جوره وسلطان
من أخاف سلطانه ومقدرة
من أخاف بلا مقدرته على وتو

عني كيد الكيدة ومكر المكرة
اللهم من أرادني بسوء فأرده
ومن كادني فكده واصرف عني
كيده ومكره وبأسه وأمانيه
وامنعه عني كيف شئت وأنى
شئت اللهم اشغله عني بفقر
لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة
لا تسدها وبسقم لا تعافيه وذل



لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم
اضرب بالذل نصب عينيه و
ادخل عليه الفقر في منزله و
العلة والسقم في بدنه حتى تشغله
عني بشغل شاغل لا فراغ له وانسه
ذكري كما انسيته ذكرك وخذ عني
بسمعه وبصره ولسانه ويده و
رجله وقلبه وجميع جوارحه و

وادخل عليه في جميع ذلك السقم
ولا تشفه حتى تجعل ذلك له
شغلا شاغلا به عني وعن ذكري واكفني
يا كافي ما لا يكفي سواك فانك الكافي
لا كافي سواك ومفرج لا مفرج
سواك ومغيث لا مغيث سواك
وجار لا جار سواك خاب من كان
رجاؤه سواك ومغيث لا مغيث



91

ومفزع الى سواك ومهرب وملجاء
الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك
فانت ثقتي ورجائي ومفزعي و
مهربي ومنجاي بك استفتح و
بك استنجح وبمحمد وال محمد اتوجه
اليك واتوسل واتشفع فاسئلك
يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك
الشكر واليك المشتكى وانت

المستعان فاسئلك يا الله بحق
محمد وال محمد ان تصلي على
محمد وال محمد وان تكشف عني غمي
وهمي وكربي في مقامي هذا كما
عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته
هول عدوه فاكشف عني كما كشفت
عنه وفرج عني كما فرجت عنه
واكفني كما كفيته واصرف عني هول



ما أخاف هوله و مؤونة ما أخاف
مؤونته وهم ما أخاف همه بلا مؤونة
على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء
حوائجي وكفاية ما أهمني همه من أمر
آخرتي ودنياي يا أمير المؤمنين
ويا أبا عبد الله عليكما مني سلام
الله أبداً ما بقيت وبقي الليل والنهار
ولا جعله الله آخر العهد من زيارتكما

ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم
أحيني حيوة محمد وآل محمد وذريته
وأمتني مماتهم وتوفني على ملتهم
واحشرني في زمرتهم ولا تفرق
بيني وبينهم طرفة عين أبداً في الدنيا
والآخرة يا أمير المؤمنين ويا أبا
عبد الله أتيتكما زائراً و اگر از دور
بخواند توجهت الی ضریحکما بخواند زائراً



ومتوسلاً الى الله ربي وربكما و
متوجهاً اليه بكما ومتشفعاً بكما
الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي
فان لكما عند الله المقام المحمود و
الجاه الوجيه والمنزل الرفيع و
الوسيلة اني انقلب عنكما منتظراً
لتنجز الحاجة وقضاءها ونجاحها
من الله بشفاعتكما لي الى الله في

ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي
منقلباً خائباً خاسراً بل يكون منقلبي
منقلباً راجحاً مفلحاً منجحاً مستجاباً لي
بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى
الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول
ولا قوة الا بالله مفوضاً امري الى
الله ملجأً ظهري الى الله ومتوكلاً على
الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله



لمن دعا لیس وراء الله وورائکما

سادتی منتهی ما شاء ربی کان

وما لم یشأ لم یکن ولا حول ولا قوة

الا بالله استودعکما الله ولا جعله

الله آخر العهد منی الیکما انصرفت

یا سیدی یا امیر المؤمنین ومولای

وانت یا ابا عبد الله یا سیدی و

سلامی علیکما متصل ما اتصل

اللیل والنهار واصل ذلک الیکما

غیر محجوب عنکما سلامی ان شاء الله

واسئله بحقکما ان یشاء ذلک

ویفعل فانه حمید مجید انقلبت

یا سیدی عنکما تائبا حامدا لله

شاکرا للاجابة غیر آیس ولا قانط

آئبا عائدا راجعا الی زیارتکما

راغب عنکما ولا من زیارتکما بل



رٰجِعٌ عائِدٌ اِنْشاءَ اللهُ وَلا حَوْلَ

وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ يا سادَتي رَغِبْتُ

اِلَيْكُما وَاِلى زِيارَتِكُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ

فيكُما وَفي زِيارَتِكُما اَهْلُ الدُّنْيا فَلا

خَيَّبَنِيَ اللهُ مِمّا رَجَوْتُ وَاَمَّلْتُ في

زِيارَتِكُما اِنَّهُ قَريبٌ مُجيبٌ زيارت

مطلقهٔ جناب سيد الشهداء است مشهور بزيارت وارث

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ

اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُوحَ نَبِيِّ اللهِ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْرٰهيمَ

خَليلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ

مُوسىٰ كَليمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا

وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

يا وارِثَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَلِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ يَا بْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ اَلسَّلامُ



السلام عليك يا بن علي المرتضى

السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء

السلام عليك يا بن خديجة الكبرى

السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره

والوتر الموتور اشهد انك قد اقمت

الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف

ونهيت عن المنكر واطعت الله و

رسوله حتى اتيك اليقين فلعن الله

امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك

ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت

به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد

انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة

والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية

بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات

ثيابها واشهد انك من دعائم الدين

واركان المؤمنين واشهد انك



الإمام البر التقي الرضي الزكي الهادي
المهدي واشهد ان الأئمة من ولده
كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة
الوثقى والحجة على اهل الدنيا و
اشهد الله وملئكته وانبيائه و
رسله اني بكم مؤمن وباياتكم موقن
بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم
سلم وامري لامركم متبع صلوات الله

وسلامه عليكم وعلى ارواحكم
وعلى اجسادكم وعلى شاهدكم
وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى
باطنكم پس خود را بضريح بچسبان وبگو
بابي انت وامي يا ابن رسول الله لقد
عظمت الرزية وجلت المصيبة
بك علينا وعلى جميع اهل السموات
والارض فلعن الله امة اسرجت

يا ابا عبد الله بابي انت وامي



وألجمت وتهيأت لقتالك يا مولاي
يا أبا عبد الله قصدت حرمك و
أتيت إلى مشهدك أسأل الله
الذي لك عنده وبالمحل الذي
لك لديه أن يصلي على محمد وآل
محمد وأن يجعلني معكم في الدنيا و
الآخرة ڤد دوركعت نماز زيارة كمدين ڤون
فمارغ شوي شغول نزيارة على الحسين شو السلام

عليك

عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
يا ابن أمير المؤمنين السلام عليك
يا ابن الحسين الشهيد السلام عليك
أيها الشهيد وابن الشهيد السلام
عليك أيها المظلوم وابن المظلوم
لعن الله أمة قتلتك ولعن الله أمة
ظلمتك ولعن الله أمة سمعت بذلك
فرضيت به يرخو نا بقبر بحسنا ڤاكو



السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ دينِ اللهِ

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ رَسُولِ

اللهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَميرِ

الْمُؤْمِنينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ

فاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي مُحَمَّدٍ

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النّاصِحِ الْاَمينِ

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَنْصارَ اَبي عَبْدِ اللهِ

السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ

لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصيبَةُ

بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَميعِ الْمُسْلِمينَ فَلَعَنَ

اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَ

اِلَيْكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ

پس برو بجانب پای علی بن الحسین بسوی شهدا

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَوْلِياءَ اللهِ وَاَحِبّائَهُ

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَصْفِياءَ اللهِ وَاَوِدّائَهُ



الحسين بأبي أنتم وأمي طبتم وطابت
الأرض فيها دفنتم وفزتم فوزا
عظيما فيا ليتني كنت معكم فأفوز
معكم في الجنان مع النبيين و
الصديقين والشهداء والصالحين
وحسن أولئك رفيقا السلام على
من كان في الحائر منكم وعلى من
لم يكن في الحائر معكم خصوصا

الحائر

سيدي ومولاي أبي الفضل
العباس ابن أمير المؤمنين ومسلم
ابن عقيل وهاني بن عروة وحبيب
بن مظاهر والحر الشهيد الرياحي
السلام عليكم يا ساداتي وموالي
جميعا ورحمة الله وبركاته

مناجات

بسم الله الرحمن الرحيم



سبحانك يا الله تعاليت يا رحمن
أجرنا من النار يا مجير سبحانك يا رحيم
تعاليت يا كريم أجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا ملك تعاليت يا مالك
أجرنا من النار يا مجير سبحانك يا قدوس
تعاليت يا سلام أجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا مؤمن تعاليت أجرنا
من النار يا مجير يا مهيمن تعاليت

أجرنا من النار يا مجير سبحانك يا
عزيز تعاليت يا جبار أجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا متكبر
تعاليت يا متجبر أجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا خالق تعاليت
يا بارئ من النار يا مجير سبحانك
يا مصور تعاليت يا مقدر أجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا هادي



تعالیت یا باقی اجرنا من النار یا
مجیر سبحانك یا تواب تعالیت
اجرنا من النار یا مجیر سبحانك یا
فتاح تعالیت یا مرتاح اجرنا من
النار یا مجیر سبحانك یا سیدی
تعالیت یا مولای اجرنا من النار
یا مجیر سبحانك یا قریب تعالیت
یا رقیب اجرنا من النار یا مجیر

سبحانك

سبحانك یا مبدی تعالیت یا
معید اجرنا من النار یا مجیر
یا حمید تعالیت یا مجید اجرنا من
النار یا مجیر سبحانك یا قدیم
تعالیت یا عظیم اجرنا من النار
یا مجیر سبحانك یا غفور تعالیت
یا شکور اجرنا من النار یا مجیر
سبحانك یا شاهد تعالیت یا



شهيد أجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا حنان تعاليت يا منان أجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا باعث
تعاليت يا وارث أجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا محيي تعاليت
يا مميت أجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا شفيق تعاليت يا رفيق أجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا أنيس

تعاليت يا مونس أجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا جليل تعاليت
يا جميل أجرنا من النار يا مجير
يا خبير تعاليت يا بصير أجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا حفي
تعاليت يا بصير أجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا معبود تعاليت
يا موجود أجرنا من النار يا مجير



سُبحانَكَ يا غفّارُ تعالَيتَ يا قهّارُ
اَجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبحانَكَ يا
مذكورُ تعالَيتَ يا مشكورُ اَجِرنا
مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبحانَكَ يا جوادُ
تعالَيتَ يا معاذُ اَجِرنا مِنَ النّارِ
يا مُجيرُ سُبحانَكَ يا سابِقُ تعالَيتَ
يا رازِقُ اَجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ
سُبحانَكَ يا صادِقُ تعالَيتَ يا

فالِقُ اَجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبحانَكَ
يا سميعُ تعالَيتَ يا سريعُ اَجِرنا مِنَ
النّارِ يا مُجيرُ سُبحانَكَ يا رفيعُ
تعالَيتَ يا بديعُ اَجِرنا مِنَ النّارِ يا
مُجيرُ سُبحانَكَ يا فعّالُ تعالَيتَ
يا متعالُ اَجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ
سُبحانَكَ يا قاهِرُ تعالَيتَ يا ظاهِرُ
اَجِرنا مِنَ النّارِ يا مُجيرُ سُبحانَكَ



يا عالم تعاليت يا حليم اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا دائم تعاليت
يا قائم اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا عاصم تعاليت يا قاسم اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا غني تعاليت
يا مغني اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا وفي تعاليت يا قوي اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا كافي يا شافي

اجرنا

اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا مقدم تعاليت يا مؤخر اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا اول
تعاليت يا آخر اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا ظاهر تعاليت
يا باطن اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا رجاء تعاليت يا مرتجى تعاليت
اجرنا من النار يا مجير سبحانك



يا ذا المنّ تعاليت يا ذا الطول

اجرنا من النّار يا مجير سبحانك يا

حيّ تعاليت يا قيّوم اجرنا من النّار

يا مجير سبحانك يا واحد تعاليت

يا احد اجرنا من النّار يا مجير سبحانك

يا سند تعاليت يا صمد اجرنا من

النّار يا مجير سبحانك يا قدير تعاليت

يا كبير اجرنا من النّار يا مجير سبحانك

يا والي تعاليت يا عالي اجرنا من

النّار يا مجير سبحانك يا عليّ تعاليت

يا اعلى اجرنا من النّار يا مجير سبحانك

يا وليّ تعاليت يا مولى اجرنا من

النّار يا مجير سبحانك يا ذارئ تعاليت

يا بارئ اجرنا من النّار يا مجير سبحانك

يا خافض تعاليت يا رافع اجرنا

من النّار يا مجير سبحانك يا مقسط



تعاليت يا جامع اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا معز تعاليت يا مذل
اجرنا من النار يا مجير سبحانك يا
حافظ تعاليت يا حفيظ اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا قادر تعاليت
يا مقتدر اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا عليم تعاليت يا حليم اجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا حكم تعاليت يا

حكيم اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا معطي تعاليت يا مانع اجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا ضار
تعاليت يا نافع اجرنا من النار يا
مجير سبحانك يا عادل تعاليت
يا فاضل اجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا لطيف تعاليت يا شريف اجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا رب



تعالیت یا حق اجرنا من النار یا مجیر
سبحانك یا ماجد تعالیت یا واجد
اجرنا من النار یا مجیر سبحانك یا
عفو تعالیت یا منتقم اجرنا من النار
یا مجیر سبحانك یا فرد تعالیت یا
وتر اجرنا من النار یا مجیر سبحانك
یا مغیث تعالیت یا محیط اجرنا من
النار یا مجیر سبحانك یا وکیل تعالیت

یا عدل اجرنا من النار یا مجیر سبحانك
یا مبین تعالیت اجرنا من النار
یا مجیر سبحانك یا بر تعالیت یا
ودود اجرنا من النار یا مجیر
سبحانك یا رشید تعالیت یا
مرشد اجرنا من النار یا مجیر
سبحانك یا نور تعالیت یا منور
اجرنا من النار یا مجیر سبحانك



يا نصير تعاليت يا ناصر أجرنا من
النار يا مجير سبحانك يا صبور
تعاليت يا صابر أجرنا من النار
يا مجير سبحانك يا محصي تعاليت يا
منشئ أجرنا من النار يا مجير سبحانك
يا سبحان تعاليت يا ديان أجرنا
من النار يا مجير سبحانك يا مغيث
تعاليت يا غياث أجرنا من النار

يا مجير سبحانك يا فاطر تعاليت
يا حاضر أجرنا من النار يا مجير
سبحانك يا ذا العز والجمال تباركت
يا ذا الجبروت والجلال سبحانك
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت
من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
وصلى الله على محمد وآله أجمعين و



الحمد لله رب العالمین حسبنا الله
و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم ۞ از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وصیت
فرمود بحضرت امیر المؤمنین علیه
السلام که هر که این هفت آیه را هر
روز بامداد بخواند یا با خود دارد
در چشم همه خلایق عزیز و مکرم

باشد و او را از هفتاد گونه بلاها
نگاه دارد و اگر فرشتگان روی
روی زمین و آسمان نویسنده
گردد و درختان روی زمین
قلم شود و دریاها مداد گردد
ثواب این هفت آیه را نتوانند نوشت
و خواص این بسیار است با این
قلیل مختصر شد و از امیر مؤمنان



هفت آیة منقولست آیة ثبت

بسم الله الرحمن الرحيم

قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا

هو مولينا وعلى الله فليتوكل

المؤمنون ۞ وان يمسسك

الله بضر فلا كاشف له الا

هو وان يردك بخير فلا راد لفضله

يصيب به من يشاء من عباده

وهو الغفور الرحيم ۞ وما

من دابة في الارض الا على الله

رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها

كل في كتاب مبين ۞ اني توكلت

على الله ربي وربكم وما من دابة

الا هو اخذ بناصيتها ان ربي

على صراط مستقيم ۞ وكاين من

دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها



وإياكم وهو السميع العليم
وما يفتح الله للناس من رحمة
فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل
له من بعده وهو العزيز الحكيم
ولئن سئلتهم من خلق السموات و
الارض ليقولن الله قل أفرأيتم ما
تدعون من دون الله ان ارادني
الله بضر هل هن كاشفات ضره

او ارادني برحمة هل هن ممسكات
رحمته قل حسبي الله عليه
يتوكل المتوكلون حسبي الله
لا اله الا هو عليه توكلت و
هو رب العرش العظيم وامتنع
بحول الله وقوته من حولهم وقوتهم

بسم الله الرحمن الرحيم



الهی بحق الخمسة محمد رسولك
وعلی وصی رسولك وفاطمة
بنت رسولك والحسن والحسین
سبطی رسولك وبعزة جلالك
ووجهك الکریم صل علی محمد وال
محمد واجعل لی مما انا فیه
فرجا ومخرجا قریبا سریعا برحمتك
التی لا یضیق من شیء وبقدرتك

التی لا یتلکأ من جانبها شیء فی
السموات ولا فی الارض
در کتاب طب الائمة از موسی
بن جعفر علیه السلام مرویست
وقتیکه داخل میشوی بر پادشاه
ظالم بخوان وقتیکه او را ببینی
بخوان یا من یضام ولا یرام وبه
تواصلت الارحام صل علی



محمد وآل محمد واكفني شره

مرويست كه هر كه اين دعا را در

هر صباح بخواند آنروز از جميع

آفات محفوظ باشد دعا اينست

اللهم اجعل صباحنا صباح

الابرار ولا تجعل صباحنا صباح

الاشرار اللهم اجعل صباحنا

صباح الخير والسعادة ولا تجعل

صباحنا صباح الشر والشقاوة

اللهم اجعل صباحنا صباح الصالحين

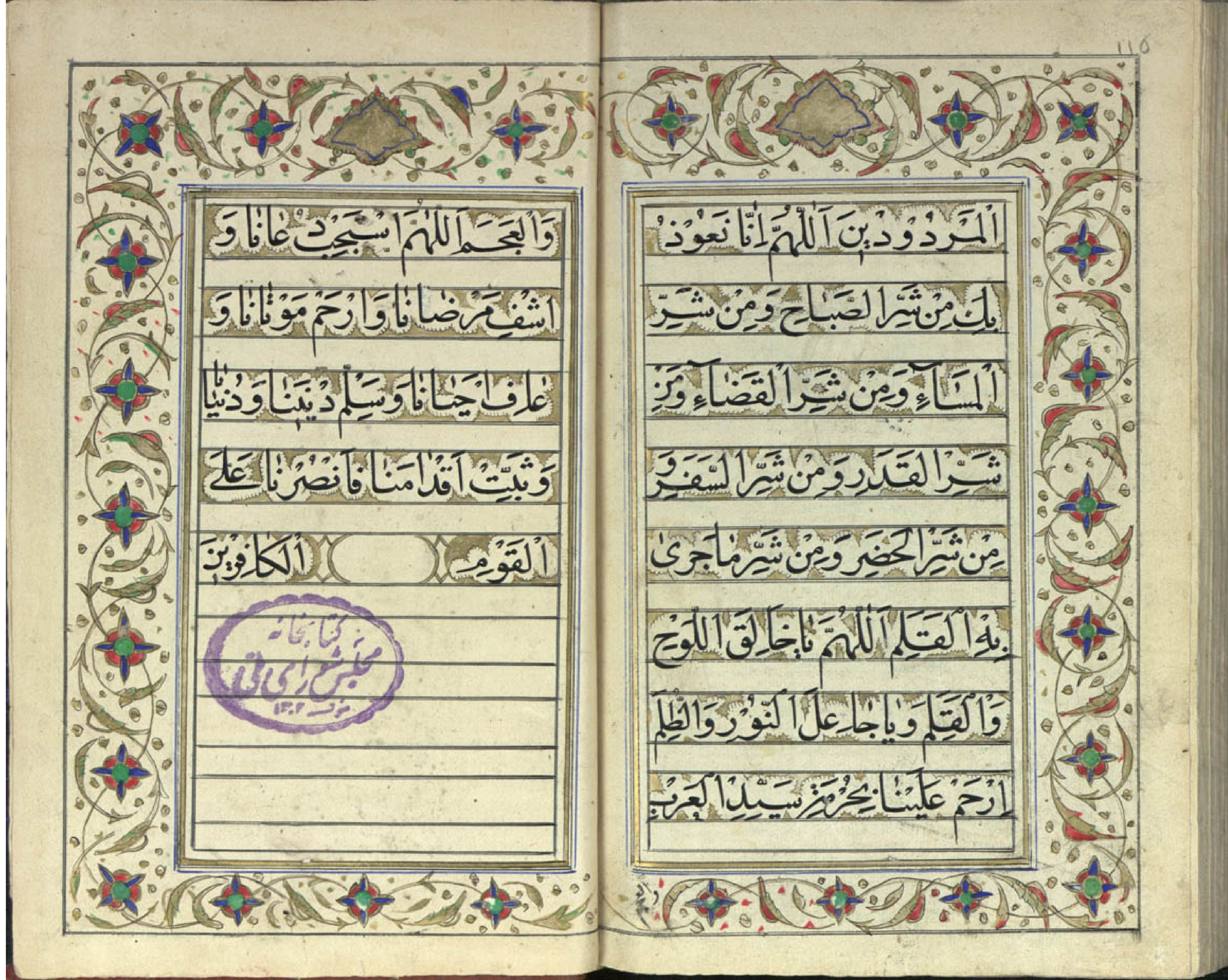
ولا تجعل صباحنا صباح الطالحين

اللهم اجعل صباحنا صباح المتقين

ولا تجعل صباحنا صباح المفسدين

اللهم اجعل صباحنا صباح

المقبولين ولا تجعل صباحنا صباح



المردة ودين اللهم انا نعوذ
بك من شر الصباح ومن شر
المساء ومن شر القضاء ومن
شر القدر ومن شر السفر و
من شر الحضر ومن شر ما جرى
به القلم اللهم يا خالق اللوح
والقلم ويا جاعل النور والظلم
ارحم علينا بحرمة سيد العرب

والعجم اللهم استجب دعانا و
اشف مرضانا وارحم موتانا و
عاف احيانا وسلم ديننا ودنيانا
وثبت اقدامنا فانصرنا على
القوم الكافرين

